

La Perse devant la guerre, de guerre et d'après guerre, par Zokaol- Molk

در این مقاله آقای ذکاءالملک شرحی از اوضاع ایران قبل از جنگ و اعمال تجاوزکارانه سیاست خارجی در کشور ایران و اوضاع ایران در زمان جنگ و صدمات و لطماتی که به ایران در این جنگ از طرف کشورهای خارجی و قشونکشیهای آنان به ایران وارد شده است و نیازمندیهایی که ایرانیان در دنیای بعد از جنگ دارند و دامنه آنها بسیار وسیع است به قلم شیوایی تدوین نموده است و محققاً بی اثر نخواهد بود. اگر چه تجاوزات خارجی نسبت به ایران با ملایمت زیادی بیان شده است که خیلی زننده نباشد ولی اوضاع اسفناک بینوایان ایرانی را تا حدی مجسم می نماید.

مقاله حسین علاء

۶- مقاله کوچکی راجع به ایران به قلم آقای معین‌الوزاره - آقای میرزاحسین خان علاء - که در مجله فرانسوی به نام «اروپای تازه»، L'Europe nouvelle انتشار یافته و اینک به طریق رساله جداگانه به طبع رسیده است که به نظر اعضای کنفرانس برسد و جلب همدردی آنها را بنماید. در این رساله آقای علاء تقاضاهای ایران را بسیار ساده و بی آرایش و مختصر بیان می کند و استقلال ایران را برای آرامش دنیا از لوازم به شمار می آورد و اظهار می دارد که حفظ استقلال ایران برای ثبات صلح و برای جلوگیری از انقلابات اشتراکی لازم می باشد. قبلاً هم ایران از این گونه انقلابات جلوگیری بسزایی کرده و اینک مستحق پاداش صحیحی می باشد و [به] ایران باستانی که یادگاری از تمدن قدیم این عالم است نباید تجاوززاتی روا باشد. از هر نظر که ملاحظه کنید وجود ایران با استقلال کامل لازم است. ولی نباید فراموش کنیم که با این خساراتی که دیده و تجاوززاتی که به آن وارد شده و به خصوص سختیهایی که در این

جنگ دیده است نیازمند به کمک می باشد و از هر نظر که ملاحظه شود چنین کمکی از طرف دول متمکن بزرگ بی قاعده نخواهد بود.

مقاله امیرعلی هندی

۷- مقاله ای به قلم امیرعلی معروف هندوستانی در دفاع از حقوق ایران به زبان انگلیسی بدین نام: The Rights of Persian.

در این مقاله امیرعلی شرح مبسوطی از تاریخ باستانی ایران و خدماتی که به تاریخ و بسط تمدن دنیا و فرهنگ و ادبیات زمان نموده ذکر می نماید و بدون پرده تخطیهایی که در این سنووات که در حقیقت در تاریخ معاصر شروع می شود بدین کشور باستانی شده است اشاره می کند و می گوید چرا نباید دول بزرگ و ملل قوی به خصوص اسلاوها و آنگلوساکسنها نگذارند چنین آثاری، چنین یادگارهای ذیقیمتی از تاریخ باستانی برجا بماند؟ اگر ایران با این تاریخ مهم باستانی که دارد، با کارهای تاریخی که اشخاص نامی باستانی مانند زردشت، کوروش و داریوش کبیر و اردشیر بابکان و دانشمندان اهل ذوقی که در تاریخ وقت مانند فردوسی و سعدی و خیام که نام ایران را در تمام عالم گسترده اند چنین کشوری مورد تهاجم واقع شده و بر استقلال آن چنین صدمات و لطماتی وارد آورند که حتی دنیای متمدن امروزی را به لرزش درآورند. چرا ما امروز احساسات رقیق و وجدان پاک انسانی خود را کنار گذاشته و نمی خواهیم نامی از خود در اخلاق و معنویات به یادگار گذاریم؟ تاکی پیرامون حرص و طمع خواهیم بود و حتی دست از سر کشوری مانند ایران که از هر نظر قابل ملاحظه است برنخواهیم داشت؟ بر ما لازم است این سیاست را کنار گذاشته رعایت حال ایران بینوا را بر خود واجب شماریم.

مقاله پیر ایتن

۸- مقاله ای به قلم پیر ایتن یکی از خیرخواهان در دفاع از ایران به زبان

انگلیسی، در این مقاله نویسنده با قلم و بیان شیوایی از کنفرانس صلح تقاضا دارد خسارت و صدماتی که به ایران وارد شده جبران شود. نویسنده در این مقاله مفصل شرح تجاوزاتی که به خصوص در تاریخ اخیر و مخصوصاً از طرف روس تزاری به ایران وارد آمده شرح می‌دهد و می‌گوید امروز پس از این جنگ جهانی که قرب پنج سال دنیا را در آتش سوزانی نگه داشته می‌بایستی ما را به طرف حقایق سوق دهد. سیاسیون ما باید روش خود را تغییر دهند، نظر مادی خود را با کمی از حقایق معنوی مخلوط سازند و به خوبی بدانند که دنیا طالب صلح و آرامش است و صلح و آرامش با سیاست مادی جهانگیری و جهانگشایی امروز سازش ندارد. روش سیاسی دول امروزی باید تغییر کند. بسط و ترقی لازم است ولی در راههای مناسب، در راههایی که با مصالح دنیا سازش داشته باشد. کشورهای باستانی را بایستی با استقلالی که دارند به حال خود نگه داریم و به آنها کمک کنیم تا در میدان ترقیات امروزی وارد شوند. چه فایده‌ای برای روس و انگلیس خواهد داشت که به ایران بیچاره این لطمات وارد شود. یکی از طرف شمال و دیگری از طرف جنوب بدین کشور باستانی لطمات و صدمات وارد آورد. روس تزاری در اثر همین قسم سیاستها و جور و جفاها و ظلم و ستمها بدین حال امروزی گرفتار شد. اگر روس تزاری با سیاست عدالت‌پرورانه داخلی و خارجی رفتار کرده بود و در داخل مملکت به طبقات زبردست این ستمها وارد نمی‌کرد و در سیاست خارجی در هر طرف از شرق و غرب و جنوب و شمال دست تطاول دراز نمی‌نمود به حالت امروزی گرفتار نمی‌شد. در هر چیز رعایت اعتدال لازم است به خصوص در سیاست بین‌المللی. باید امیدوار بود که این جنگ بلکه روشنی به دیده‌ها [بدهد] ما را تا حدی متنبه سازد که از حرص و طمع و سیاست تجاوزکارانه چه ثمری به بار می‌آید و چه نتایجی عاید ما می‌شود؟ باید نگاه کنیم که دنیای بعد از این

جنگ با سیاست دنیاسندانه‌تر معتدل‌تری که دول بزرگ در پیش گیرند صلح کامل و آرامش صحیح ایجاد شود و برجا بماند.

اقوال نواب

مسافرت آقای نواب به پاریس و مراجعت ایشان تقریباً یک ماه طول کشید. شرح مفصلی از این مسافرت برای نگارنده ذکر کردند. همه جا گرانی و تنگی و سختی معیشت حکمفرما می‌باشد، مخصوصاً کسانی که بخواهند با پول دول متحدین شکست خورده در خارج زندگی کنند و چون این دول مغلوب و عجالتاً ضعیف و به حالت سختی افتاده‌اند، پول آنها را در خارج به نرخ معمول بر نمی‌دارند و اگر پول طلایی دارند به قیمت طلا خرج می‌شود، ولی اسکناس آنها به کلی از قیمت و ارزش افتاده است. جمعیت پاریس در حال افزایش و جا در آن شهر برای زندگی تنگ [است] ولی مردم از این فتح و پیروزی بشاش و خرم می‌باشند. سیاسیون تمام عالم در این شهر بزرگ و تاریخی گرد آمده‌اند و از ایرانیان هیئت میسیون ایران به ریاست وزیر امور خارجه آقای مشاورالممالک در پاریس حضور دارند و نیز علیقلی خان شارژدافر سابق امریکا و خانمش و اسد خان شارژ دافر سابق ایران در پترزبورگ با خانمش نیز در آنجا می‌باشند.

تبلیغات میسیون

میسیون ایران را به عضویت در کنفرانس صلح پذیرفته‌اند و آنچه به نظر می‌آید بر اثر ضدیت انگلیسیها مشکل است کاری در پاریس صورت بدهند. این میسیون یک قسمت از هتلهای معروف پاریس را گرفته در آن زندگی می‌کنند و با کمال جدیت مشغول به تبلیغات راجع به ایران می‌باشند ولی چنان که گفته شد تا به حال منافی از این تبلیغات به دست

نیامده. پرنس ارفع الدوله نیز که از طرف ایرانیان مصر نمایندگی دارد تقریباً بدین میسیون ملحق شده است. روابط اعضای میسیون با آقای ممتازالسلطنه وزیر مختار ایران در پاریس چندان خوب نیست. از قرار معلوم آقای ممتازالسلطنه به میسیون چندان تمایلی نشان نداده [است] و برعکس از آنها شکایت هم دارد.

سیاست در تهران

از قراری که اعضای میسیون برای آقای نواب از تهران صحبت می کرده اند در آنجا شاهزاده [نصرت الدوله] پسر فرمانفرما و اکبرمیرزا پسر ظل السلطان نفوذ در کارهای دولتی دارند. وثوق الدوله هم که در رأس حکومت است از آنها ملاحظه می کند. شعاع الدوله برادر حاجی ناصرالسلطنه به سمت وزارت مختاری ایران در لاهه - با وجود اقدامات میرزا محمودخان شارژدافر سابق آنجا - برقرار و رسماً معرفی شده است.

انگلیسیها و ایرانیان مهاجر

در پاریس کسی به فکر ایرانیان ملی و آزادیخواه مهاجر که فعلاً در برلن هستند نمی باشد. از قرار گفته آقای نواب از قول ممتازالسلطنه انگلیسیها جواز حرکت به این ایرانیان و ایرانیان مهاجری که در استانبول هستند و مقصد مراجعت آنها به تهران [باشد] نخواهند داد. و حتی به ایرانیان متوقف برلن هم اجازه رفتن به پاریس را هم صادر نخواهند کرد. گویا خود آقای ممتازالسلطنه هم چندان تمایلی به رفتن مهاجرین به پاریس نداشته باشد. از قرار گفته میسیون حکومت فعلی ایران چندان بی پول نیست و به اعضای میسیون هر کدام ماهی دو هزار تومان قرار شده است بدهد و برای مأمورین خارجه خود هم پول فرستاده است. سختی معیشت هم در تهران قدری برطرف شده. سیاست انگلیس در تهران بلکه در تمام ایران فاعل مایشاء می باشد.

عقیده سروالتر تاونلی

آقای نواب در هلند از سروالترتاونلی وزیر مختار انگلیس در هلند دیدن کرد. سروالترتاونلی قبلاً در ایران وزیر مختار انگلیس بوده با سیاسیون ایران تا حدی مربوط [است] و احساسات دوستانه ای نسبت به ایران ابراز می دارد. با او مفصل راجع به ایران و سیاست فعلی انگلیس در ایران صحبت کرده است. عقیده سروالترتاونلی راجع به سیاست انگلیس واضح است. بدیهی است مدافعه از سیاست انگلیس می نماید. ولی رویهمرفته نظر خوشی راجع به ایران اظهار داشته است. از انتشار نامه اش به کنسول ژنرال انگلیس در شیراز تا حدی خوشحال است. عنقریب متقاعد خواهد شد.

اقدام مستقل

از اظهارات آقای نواب چندان راجع به تحصیل جواز مسافرت برای ایرانیان برلن و مراجعت آنها به ایران امیدواری حاصل نگردید. تصمیم گرفته ام خودم اقدام کرده تنها به هلند بروم و از آنجا با اقداماتی موفق به تحصیل جواز و حرکت به ایران بشوم. لذا نامه ای به شعاعالسلطنه وزیرمختار ایران در هلند نوشته، از ایشان خواهش مساعدت در تحصیل جواز مسافرت به هلند برای خود نمودم. و در اینجا هم از کنسولخانه هلند در برلن درخواست جواز حرکت کردم.

سیاست ایتالیا

روز دوشنبه ۲۸ آوریل - میسیون آلمان مأمور به کنفرانس پاریس پس از مبارزات سخت مطبوعات آلمان از برلن به طرف پاریس محل انعقاد کنفرانس صلح حرکت کردند و روز آخر ماه آوریل وارد آنجا شدند. ایتالیاییها که به واسطه نظریات ویلسن در کنفرانس به طور قهر خود را کنار کشیده و به رم رفته بودند مجدداً به پاریس برگشته اند تا در مذاکرات با نمایندگان آلمان شرکت کنند. سیاست ایتالیا و دخول آن در این جنگ از

اول روشن بوده و پرده‌ای روی آن کشیده نشده است. ایتالیا برای جلب منفعت و بسط خاک از مدتی پیش تا به حال به هر طرف که باد می‌وزد شرکت کرده است. گاهی برای حفظ این سیاست با آلمان و اتریش متحد بود و زمانی برای حفظ همین سیاست با آلمان و اتریش به جنگ افتاد و در همین جنگ عمومی برای شرکت خود قراردادی معروف به قرارداد لندن منعقد نموده است. در این قرارداد انگلیس و فرانسه وعده توسعه خاک به ایتالیا می‌دهند. حال که فتح و فیروزی نصیب متفقین شده و اتریش سابق به کلی از هم پاشیده است ایتالیا به قرارداد لندن هم قانع نیست، قطعه دالماسی را بالتمام طالب است و بندر فیوم را هم قبلاً ضبط کرده است. ویلسن رئیس جمهور امریکا از نظر حفظ سیاست امریکا که تا حدی راجع به کشورهای اروپایی بی طرفانه نمایش دارد، و مخصوصاً به ملاحظه اظهارات خودش راجع به اتحاد ملل و آرامش دنیا پس از این جنگ با نظر ایتالیا که ذکر شد ضدیت دارد. [نماینده] ایتالیا هم برای اعتراض به همین نظر خود را از کنفرانس کنار کشیده و به رم مراجعت کرده بود ولی مجدداً به پاریس آمده [است] و در مجلس کنفرانس شرکت دارد.

شرایط صلح

روز هفتم ماه مه ساعت سه بعد از ظهر در ورسای - کاخ تاریخی لویی چهاردهم فرانسه - با جلال و رسمیت تام نخستین مجلس صلح به عضویت نمایندگان کشورهای متفقین به ریاست کلمانسو رئیس‌الوزرای فرانسه منعقد و نسخه مقدماتی عهدنامه صلح تسلیم نمایندگان آلمان گردید. این عهدنامه مقدماتی تقریباً کتابی است مرکب از پانزده باب و هر باب دارای فصول و مواد زیاد. گمان نمی‌توان کرد در هیچ عهده‌ای طرف فاتح چنین درخواستهای سختی به طرف مغلوب نموده باشد. قسمت

زیادی از آلمان را از طرف شرق به لهستانها واگذار کرده و معادن معروف زغال سنگ آلمان را در طرف غرب به انضمام ایالت سار تا مدت غیرمعینی به فرانسه منضم نموده. در حقیقت تغییرات عمده‌ای در کلیه مرزهای آلمان داده‌اند و هر قدر توانسته‌اند [اند] اراضی مرزی را از آلمان منتزع نموده‌اند. دیگر آنکه آلمانها سالیان دراز بایستی رنج ببرند و جرائم این جنگ را به کشورهای متفقین پردازند.

تمام کشتیهای تجارتی آلمان بایستی به متفقین داده شود و تا سنوات نامحدودی هم آلمانها سالی دویست هزار تن کشتی ساخته به متفقین تحویل دهند. تا پنجاه کیلومتر در دست راست رود رن آلمانها نباید قوای نظامی داشته باشند. دیگر آنکه عده قوای نظامی آلمان از یکصد هزار نفر نباید تجاوز کند و قانون خدمت اجباری نظامی باید از آلمان برافتد و اجرای امور نظامی در دست کمیسیون مرکب از نمایندگان دول متفقین بوده باشد. امپراتور آلمان و کلیه سرداران و سیاسیون آلمانی که در اعلان و اجرای جنگ شرکت داشته‌اند باید تسلیم متفقین شوند تا در محکمه‌ای که آنان معین می‌کنند محاکمه و سیاست شوند. این بود خلاصه‌ای از عهدنامه مقدماتی که در روز هشتم مه در مطبوعات آلمان انتشار یافته است.

احساسات حاد

بدیهی است انتشار این مواد یأس فوق‌العاده در میان مردم آلمان ایجاد کرده است. تاریخ نشان نمی‌دهد ملتی مانند ملت آلمان در چنین موقع سخت و ناگواری مانند امروز واقع شده باشد. از هر طرف سختی و افکار ناهنجار برای این ملت به وجود آمده است. از داخل و خارج جز سختی برای آنها چیز دیگر مشاهده نمی‌شود. تمام مسئولیت این جنگ و تمام سختیهایی که از این جنگ وارد شده [است] و احساسات حادی که امروز

در داخل و خارج آلمان وجود دارد تمام متوجه این ملت گردیده و عجبالتاً حیات آنان به دست متفقین افتاده است. انقلاب داخلی هم در حقیقت نیروی دولت را تا حدی از میان برده است. کشورهای متفقین قوی [اند] و با بی‌رحمی نسبت به این ملت رفتار می‌کنند. به‌طور کلی سیاست، به خصوص سیاست سیاسیون اروپای امروزی ترحم بردار نیست.

سیاست مادی

ما ایرانیان این موضوع را خوب باید بدانیم. باید در خاطر خودمان نگه داریم که سیاست امروزی به خصوص سیاست اروپاییان کاملاً مادی است و ما باید روی پای خودمان بایستیم و باید مردانه برای استقلال خودمان بکوشیم. به حالت ضعف نشستن و مانند بینوایان در کنار معابر به انتظار ترحم دیگران بودن فایده‌ای ندارد. هر قدر کار کنیم، هر قدر برای حفظ خود و استقلال کشور خود بکوشیم فایده خواهیم برد. آلمانها هم امروز که گرفتار این رنج و تعب هستند اظهار تأثر زیاد نمی‌کنند و خود را به کوشش آتیۀ ملت خویش امیدوار ساخته‌اند.

اعلامیۀ رئیس جمهور آلمان

جمعه ۶ مه ۱۹۱۹ - رئیس جمهور حکومت موقتی آلمان مردم را در یک اعلامیه دلالت به اتحاد می‌نماید و در این اعلامیه خطاب به مردم می‌گوید: امروز در مقابل تقاضاهای خانه‌برانداز متفقین تنها چاره‌ای که در دست ملت آلمان مانده [است] اتحاد کامل می‌باشد که به وسیله آن بتوانیم در مقابل این مخاطرات و در زیر بار این تحمیلات سنگین ایستادگی کنیم. نزاع و اختلافات حزبی بایستی به کلی کنار گذاشته شود و در حفظ وطن با وحدت کامل ایستادگی و پافشاری کنیم و چاره‌ای هم جز این نداریم، باید به تاریخ گذشته خود نگاه کنیم. ملت آلمان در نیروی

تحمل^۱ یادگارهایی از خود در تاریخ گذاشته است. امروز هم یکی از آن روزهای تلخ تاریخی است. تحمل کنیم و راه خود را به طرف جلو بپیماییم. به مناسبت تقاضاهای مقدماتی متفقین یک هفته عزاداری ملی در آلمان اعلام شده است.

پیشنهاد ویلسن

رئیس‌الوزرای آلمان شاید من نطقی علیه تقاضاهای دشمن ایراد و اظهار می‌نماید که به نمایندگان آلمان دستور داده شده است با طرف داخل مذاکرات شود بلکه بتواند راهی را برای رسیدن به هدف که صلح و آرامش است باز کند. ولی این موضوع هم کار آسانی نیست. با نظریاتی که از طرف متفقین اظهار شده و در مواد مقدماتی صلح ذکر گردیده [است] پیدا کردن چنین راهی برای نمایندگان آلمان کار آسانی نیست. شاید نظر مستر ویلسن رئیس جمهور امریکا و موادی که او قبلاً راجع به صلح و اتحاد ملل انتشار داده [بود]، کمکی به آلمان نموده، راهی را برای نیل به سعادت صلح باز نماید. حکومت فعلی مجلس ملی آلمان را برای جلسه فوق‌العاده‌ای در روز دوازدهم مه دعوت کرده است.

جلسه فوق‌العاده مجلس ملی

شنبه ۱۰ مه تا دوشنبه ۲۶ مه ۱۹۱۹ - جلسه فوق‌العاده مجلس ملی آلمان روز دوشنبه ۱۲ منعقد گردید. رئیس‌الوزرا از طرف دولت و پیشوایان احزاب از طرف ملت علیه پیشنهادهای مقدماتی صلح متفقین اعتراض کرد. این پیشنهادات را رسماً غیرقابل قبول می‌دانند. در تمام نقاط آلمان مجالس اعتراض ضد این پیشنهادها منعقد نموده [اند] و کلیه مطبوعات آلمان قبول این پیشنهادها را [موجب] انقراض ملت آلمان

۱. اصل: تأمل

می‌دانند. مع‌هذا دولت آلمان با این بیچارگی و ضعفی که امروز دارد کوشش می‌کند بلکه با یک ترتیبی که شامل اضمحلال آلمان نباشد با طرف کنار آمده به هدف که صلح و سلامتی باشد نایل گردد. میسیون آلمان مأمور مذاکره صلح در ورسای متوقف می‌باشد و به وسیله نامه‌های مکرر فصول مختلف پیشنهاد را تحت انتقاد و اظهار نظریات خود گرفته‌اند. ولی از قرار معلوم نمایندگان متفقین چندان نظر خوشی نسبت بدین نامه‌ها اظهار نمی‌کنند.

شرایط سخت صلح

شرایط صلح قطعی متفقین هنوز رسماً انتشار نیافته، تنها آلمانها آنها را به زبان فرانسه و آلمانی به طریق کتابچه انتشار داده‌اند. در این کتابچه انتشاری آلمانها شرایط پیشنهادی متفقین مرکب می‌باشد از یک مقدمه و پانزده قسمت در ۴۴۰ ماده. در مقدمه متفقین آلمان را مسئول این جنگ و شکست خورده در پایان این جنگ دانسته درخواست قبول مواد ۴۴۰ گانه مذکور در این قرارداد را می‌نمایند. اسامی تمام نمایندگان دول متفقین و آلمانها در مقدمه مندرج است. قسمت اول راجع است به تشکیل مجمع اتحاد ملل، ماده یک تا ماده ۲۶. در ماده ۲۶ مللی که داخل این اتحاد خواهند بود ذکر می‌شود. این ملل هم به دو قسمت تقسیم شده‌اند: اول مللی که در این جنگ علیه آلمان جنگیده‌اند و عده این ملل بیست و چهار می‌باشد. دوم مللی که در این جنگ عمومی بیطرف بوده‌اند و عده آنها سیزده می‌باشد و ایران را جزء این سیزده ملت بیطرف ذکر کرده‌اند. قسمت دوم تعیین مرزهای تازه آلمان از ماده ۱۷ تا ماده ۳۰. در تمام این ۴۴۰ ماده احساسات عداوت خواهانه نسبت به ملت ژرمن و گرفتن انتقام از این ملت هویدا می‌باشد. اگر فی‌الحقیقه صلح آینده روی این پیشنهاد اجرا شود ملت آلمان سالیان دراز تحت انقیاد خواهد بود و هیچ‌گونه

نیروی سیاسی و اقتصادی و حتی اجتماعی نخواهد داشت و دول متفقین بر آن ریاست عالی اعمال خواهند نمود.

تمایلات انگلیسیها

روز پنجشنبه ۱۵ آقای اعظم السلطنه از هلند به برلن مراجعت کرد. با ایشان ملاقات کردم. سفری به لندن کرده است. از اوضاع آنجا مفصل صحبت می‌کرد. انگلیسیها رویهمرفته از این پیشامد جنگ و بدین ترتیب پایان یافتن آن خوشحال می‌باشند. ولی بدیهی است با تحمیلاتی که در این مدت مدید یعنی قرب پنج سال طول کشید خودشان را چندان فارغ‌البال نمی‌بینند و از موضوع انقلابات روسیه و بالاخره انقلابات در آلمان و سایر جاهای اروپا چندان خوشحال به نظر نمی‌آیند. با یکی دو نفر از سیاسیون انگلیسی که مذاکره کرده است چنین معلوم می‌شود از طرفی به علت از میان رفتن دولت تزاری و سیاستی که آن دولت در جور و ستم و کشورستانی پیش گرفته بود و به خصوص دست تظاولی که در آسیا دراز کرده بود و مخالفت کامل که با سیاست استعمارطلبی انگلیس در آن قاره بزرگ داشت، انگلیسیها بدحال نیستند که دولت تزاری از بین رفته. ولی از انقلاباتی که اخیراً پی در پی در روسیه و جاهای دیگر برپا می‌شود نظر خوشی نشان نمی‌دهند و برای سیاست انگلیس به خصوص بعد از جنگ که توسعه پیدا کرده [است] سهولتی به نظرشان نمی‌آید. ولی باز رویهمرفته از اینکه امریکا داخل این جنگ شده و پیشرفت متفقین را تسریع نموده و حتی در مذاکرات صلح که امروز در پاریس در جریان است کمک به پیشرفت نظریات سیاست انگلیس می‌نماید خوشبین به نظر می‌آید و از اظهارش پرهیز ندارد.

دیدار براون

پروفسور براون را که فی‌الحقیقه خدمات نمایانی به ایران و ادبیات ایران و

به شناساندن ایران و ادبیات ایران در اروپا بلکه در تمام جاهای خارج از ایران کرده و همیشه احساسات بسیار دوستانه نسبت به ایرانی و ایران و ادبیات و جامعه ایران نشان داده [است] و دارای تألیفات بسیار پربهایی راجع به ایران می باشد و سالیان دراز در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی و عربی اشتغال داشته است، ملاقات کرده است. پروفیسور عالی مقام مزبور مشغول طبع جلد سوم تاریخ ادبیات ایران می باشد که عنقریب از طبع بیرون آمده، بر درخشندگی ادبیات ایران در خارج خواهد افزود. پروفیسور براون اتفاقاً شرحی از اینجانب و زندگی سالیان درازی که من در آن دانشگاه و تماس با پروفیسور براون داشتم ذکر و یادآوری آن ایام را کرده و به من سلام مخصوص توسط ایشان رسانده است.

نظر انگلیسها

از زندگی مردم لندن حکایت می کرد که فراوانی ارزاق در انگلیس قابل قیاس با اوضاع برلن نیست. ولی رویهمرفته گرانی است و قیمتها تناسبی با زمان صلح ندارد. در مراجعت از انگلیس آقای اعظم السلطنه دو دفعه با وزیر مختار انگلیس در لاهه ملاقات کرده. از قرار اظهار وزیر مختار مزبور که سالها همین سمت را در تهران داشته است انگلیس هیچ نظر سویی نسبت به ایران، به خصوص پس از پایان این جنگ نداشته و نخواهد داشت. حال که سیاست روس تزاری از ایران برداشته شده و زحماتی عجالتاً از طرف شمال متوجه ایران نیست علت ندارد که انگلیسها شدتی برای ایران به خصوص در طرف جنوب برپا نمایند که بر ضرر خودشان خواهد بود.

تجمع رؤسای ملیون

در همین روز پانزدهم مه طرف عصر چند نفر از رؤسای ملیون بنام منزل

اینجانب به چایی دعوت داشتند. و علت این دور هم آمدن بیشتر برای ذکر اوضاع خودمان و فراهم نمودن فکری برای آتیه نزدیک جمعی از آوارگان است که مدتی است در خارج از کشور روی احساسات میهن پرستی و تمایلات سیاسی اوقات خود را می گذرانند. صحبت مفصل و بدون پرده به میان آمد و هر یک از آقایان در حقیقت هر چه در دل و در سر داشت به میان گذاشت. به طور کلی صحبت از این پیشامد جنگ و اوضاع ایران پس از این جنگ در میان بود.

سپاسگزاری از انقلاب روسیه

یکی از این آقایان اظهار داشت که ما باید فی الحقیقه از مؤسسين انقلاب در روسیه و از لنین و پیروان او شکرگزار باشیم. اولاً ما انتظاری از این جنگ داشتیم که اگر فتح و فیروزی با متحدین بر ضد متفقین باشد بتوانیم با وعده هایی که از دول مرکزی و دولت عثمانی به دست آوردیم تخطیات و تجاوزاتی [را] که به خصوص از ۱۹۰۷ از طرف دولتین روس و انگلیس به ایران شده جبران نماییم و نفوذ دولتین مذکور را از ایران براندازیم. در این موضوع بدیهی است این نظر به جایی نرسید و این جنگ به شکست کامل دول مرکزی و دولت عثمانی خاتمه یافته است. ولی ما یک منفعتی به دست آورده ایم که آن را باید با آواز بلند به دنیا اعلام نماییم. بر اثر این جنگ و امتداد آن و عملیات آن دولت تزاری روسیه رو به ضعف گذاشته، دسته انقلابیون که مدتی مشغول به تکمیل تشکیلات خود بودند و بالاخره در این عکس العمل شکل بسیار چپی به خود گرفته [اند] و با مبارزه سخت به میدان مبارزه وارد شده اند، موفقیت حاصل نموده، دولت تزاری که دشمن زهراگین استقلال کشور ما بود و متجاوز از یک قرن بلکه بیشتر مدام زحمات و صدمات برای ما و برای استقلال کشور ما به جا می آورد و دیگر در حقیقت چیزی برای استقلال ما باقی نگذاشته بود از میان برداشته شد. [پس] باید از این بابت شکرگزار باشیم و از این دسته

انقلابیون قدرشناسی کنیم. اینان بودند که اساس جور و ستم دولت تزاری را از سر ما برانداختند. والا اگر دولت تزاری بجا می ماند و جنگ بدین طریق که می بینیم پایان یافته بود حال ما چگونه می شد. چطور می توانستیم با روسیه تزاری پنجه در پنجه افکنیم و به چه نحو می توانستیم استقلال خودمان را حفظ کنیم، همین دولت تزاری بود که قرارداد شوم ۱۹۰۷ را با انگلیس منعقد و در حقیقت استقلال ما را متزلزل، بلکه برطرف کرد. امروز حکومت انقلابی این قرار شوم بلکه خیلی از قراردادهای دیگر روسیه را که بر ایران تحمیل کرده [بود] ملغی دانسته است. این را هم باید دانست که انقلابیون فعلی روسیه به پیشوایی لنین با دعاوی که برای آزادیخواهی دارند و با تبلیغات فراوانی که قبلاً بجا آورده اند و کلیه ملل و به خصوص ملل ضعیف را نوید یاری داده اند، ممکن نیست در آتیه نسبت به ایران همان سیاست روس تزاری را به خود گیرند. اینها ممکن است در داخله روسیه دست به خرابیهای زیاد بزنند و با خونریزیهای بسیار اوضاع جامعه روسیه را مطابق میل و احساسات خود به کلی تغییر دهند، ولی اگر بخواهند برجا بمانند ممکن نیست چنین سیاستهایی را نسبت به خارج و به خصوص کشورهای همسایه روا دارند. مطمئناً اینها امتیازاتی را که روس تزاری از ایران گرفته بر خواهند انداخت و به طور تحقیق با سیاست انگلیس در استعمار هم قدمی نخواهند کرد. اگر به واسطه این جنگ نبود انقلابات روسیه به میان نمی آمد و دولت تزاری بر نمی افتاد و قشون روسی ایران را ترک نمی گفت. رویهمرفته از طرف آقایان حاضر [نسبت به] این عقیده که اظهار شد موافقت به جا آمد و همه تصدیق کردند که نتیجه این جنگ از نظر بیان شده در بالا برای ایران بی فایده نبود.

اما انگلیس

یکی از آقایان دیگر که نیز خود را مسلط بر سیاست و افکار سیاسی

می داند راجع به پایان این جنگ از نظر انگلیس به صحبت پرداخت و اظهار داشت که ما میان خودمان نباید بعضی حقایق را فراموش کنیم و از ذکر آنها خودداری نمائیم. سیاست انگلیس مدت زمانی در ایران، ضرر که برای ایران نداشته بی منفعت هم نبوده است. ما نباید اوضاع داخلی و وضع جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی خودمان را فراموش کنیم. دولت روس پس از پطر کبیر به جاده وسیع تجاوزات و جهانگیری به خصوص در طرف جنوب شرق [افتاد] و به خط مستقیم به طرف ایران پا گذاشت و در این تجاوزات هم نظرهای مخصوصی داشت و اعمال می نمود. دریای خزر را که دولت روسیه مدت زمانی از خود می دانست و قسمت عمده ای از اراضی اطراف این دریای سودآور را از کشور بیچاره ما ربود و در حیطه تصرف خود می داشت و پیوسته نظری بسیار تند و تیز از یک طرف به دریای مدیترانه و از طرفی به خلیج فارس می انداخت. چرا بغازهای استانبول، بسفر و داردانل را در تصرف نیاورد و دریای سیاه را که در تصرف خود داشت کاملاً با همان دست تجاوزکارانه به دریای مدیترانه دراز و تجاوز ننماید و دریای مدیترانه را به دریای سیاه ملحق نسازد و از طرفی کشور بیچاره ایران را در تصرف گرفته و خود را به خلیج فارس و مستعمرات انگلیس یعنی هندوستان - آن قسمت بارآور و منطقه آباد دنیا - دست تطاول دراز ننماید؟ با این سیاست و با این نظریات و عملیات روسیه چه نیرویی مخالفت و جلوگیری می نمود؟ حقیقت را نباید کنار بگذاریم. ما که در اینجا دور هم جمع شده ایم، در برلن و در چنین وقتی، نباید پرده روی اوضاع و سیاست خودمان بکشیم. تنها انگلیسیها بودند که برای حفظ منافع خودشان، برای حفظ هندوستان، برای حفظ تجارت خودشان و تردد کشتیهای بازرگانی خودشان در آبهای ایران و به خصوص قسمت عمده خلیج فارس سیاست عمده خودشان را در این دیدند که از تجاوزات روسیه در این قسمت جلوگیری کنند. بدیهی است برای آنها و

به نفع سیاست انگلیس برجا ماندن استقلال ایران بسیار مهم بود که ایران بجای خود بماند. ولی ترقیات لازم هم که ممکن بود در آتیه از پیشرفت سیاست انگلیس جلوگیری کند ننماید. ایران به همان ترتیب سابق قرون قبل برجا بماند و یک سده‌ی میان روسیه و مستعمرات آسیایی انگلیس ثابت و برجا باشد. این را می‌توان سیاست انگلیس قبل از ۱۹۰۷ دانست و این موضوع را هم نباید خودمان فراموش کنیم که انگلیسیها برای تقویت سیاست خودشان با مشروطیت ایران مخالفت نداشتند، تا حدی کمک هم به این مشروطیت و آزادی کردند که تا حدودی دربار قاجاریه را از آن تنگنایی که افتاده و در دست روسها در حال خفه شدن بود رهایی دادند. این کمک را هم باید گفت که سیاست آنها به ما کرده است.

اوضاع سیاسی ایران

وقایع دوره محمدعلی میرزا و توپ بستن به مجلس را نباید فراموش کنیم. که اگر سیاست انگلیس چنانکه ذکر شد در کار نبود آزادی و این مشروطیت به کلی از میان برداشته شده بود. در این ضمن وضع اروپا با سیاستی که آلمان متحد و قوی در مرکز اروپا به خود گرفت و با دولت بزرگ هابزبورگ اتریش و ایتالیا اتحاد سه گانه زورمندی را به وجود آورد و راه خود را به طرف استعمار و به خصوص در میدان بازرگانی و فراهم ساختن وسائل زندگی فنی امروزی و حمل آنها به بازارهای دنیا و عزم ربودن همین بازارها از دست انگلیسیها، سیاست انگلیس را تغییر داد و این دولت را متوجه اوضاع اروپا و حفظ سیاست و حیثیات خود در آن قاره نمود رقابت و اختلافات خود را با روسیه تزاری و با فرانسه - همان فرانسه دوره لویی چهاردهم، همان فرانسه که برای استقلال سیاست خود قرنها با انگلیس در ستیز بود - کم کرد و خود را نزدیک ساخته برای رفع صوری این اختلافات قرارداد شوم ۱۹۰۷ را بر ضد استقلال ایران با

روسیه تزاری منعقد نمود. بدیهی است این قرارداد سیاست انگلیس را در ایران و احساسات ایرانیان را نسبت به انگلیس به کلی تغییر داد. دیگر ایرانیان فهمیدند که انگلیس و سیاست این کشور هیچ گونه قصد و غرضی جز پیشرفت منافع خود آن هم به ضرر استقلال و آزادی ایران ندارد.

با همین سیاست اوقات گذشت، نه به نفع ایران بلکه به ضرر ایران. ما خودمان دیگر نمی‌توانیم اوضاعی را که تحت نظرمان گذشته پنهان کنیم. مجلس ملی دوم، نیات خیلی مفیدی راجع به اصلاح و ترمیم اوضاع آتیه ایران داشت و موقع هم مناسب بود. استبداد محمدعلی میرزا شکسته و از میان رفته. دربار قاجاریه با ترتیباتی که شرحش در اینجا زاید است از سطوت و رفعت دیرینه خود افتاده [بود] و اختیارات در حقیقت بالتمام در دست مجلس شورای ملی قرار گرفت. این مجلس هم با تشکیلات داخلی رویهمرفته مصمم بود اصلاحات لازم به نفع ایران بجا آورد. به همین نظر بود که خزانه دولت را به مستر شوستر و اجزای دیگر [هیئت] مالیه همراه او محول کرد. آیا روسها گذاشتند این نقشه‌های اصلاحی صورت عمل به خود گیرد؟ آیا انگلیسیها با این قرارداد شوم ۱۹۰۷ اقدامی به نفع ایران کردند؟ خیر. اوضاع ایران روز به روز رو به وخامت گذاشت چنانکه همه می‌دانیم. تا اینکه مقدمه این جنگ فراهم گردید و آن را هم خوب می‌دانیم. روسها از شمال و انگلیسیها از جنوب چه نظریات و چه مقاصد داشته و چه عملیاتی صورت داده‌اند. ما هم عده‌ای از آزادیخواهان و ملیون که نمی‌توانستیم تحمل آن اوضاع را بنماییم و دیگر نمی‌توانستیم ساکت بنشینیم و هیچ کاری برای آتیه کشور و استقلال آن انجام ندهیم خودمان را به این ورطه مهاجرت انداخته و این زحمات و رنجهای متمادی را در این چند ساله تحمل کرده امروز در اینجا دور هم جمع شده‌ایم.

امریکا و ایران

با اطلاعاتی که همه داریم می‌دانیم که دخول امریکا در این جنگ و نیات مستر ویلسن رئیس جمهور آن کشور و به خصوص مواد چهارده‌گانه او نه تنها برای ما بلکه برای تمام کشورهای کوچک و ضعیف و حتی برای آلمان امروزی که با او در جنگ بوده [اند] بی‌فایده نبود، بلکه خیلی مهم بوده است. امریکا چنان که همه می‌دانیم نظر استعماری ندارد و امریکا امروز باید سازمان خودش را آن طور که باید و شاید تکمیل نماید. امریکا نظر خصوصی هم به کشورهای اروپا و حتی آسیا ندارد. می‌خواهد تا حدی دنیا آرام زیسته در ترقیات خود و بسط تمکن و تمول و تمدن خود کوشا باشد این نظر را هم مستر ویلسن بارها اظهار کرده [است] و حقیقتاً با اطلاعاتی که داریم در آنها صمیمی می‌باشد. و داخل شدن امریکا در این جنگ به علت حفظ تجارت و اقتصادیات و جلوگیری از غرق کشتیهای تجارتي در دریاها به خصوص در آنجاهایی که کشتیهای بازرگانی امریکایی در تردد بودند، بوده است و قصد کشورستانی و جبران خسارات از متحدین نداشته است. امروز هم همین نظری که مستر ویلسن بارها داشته و مواد چهارده‌گانه‌اش بر روی آنها استوار است برای ایران مفید می‌باشد. صحیح است که سیاست انگلیس پس از این جنگ مبارزی در ایران ندارد و یکه و تنها می‌تواند به عملیات بپردازد ولی سیاست امریکا باید بدانیم برای ما مفید است. دیگر اینکه باز که خوب ملاحظه کنیم و بدانیم که سیاسیون انگلیس هم بی‌فکر کاری نمی‌کنند حفظ ایران به این ترتیب فعلی برای انگلیس و سیاست او مفید است، ولی محققاً این سیاست با بودن اشخاص وطن‌پرست عالی مقام در رأس امور موافقت ندارد. ساخت و پاخت این سیاست عموماً با اشخاص ناصالح بجا می‌آید و از اشخاص غیرصالح هر قدر بتوانند استفاده می‌کنند. ما باید قدری بیشتر خودمان برای خودمان اقدام کنیم و به حال خودمان مفید

باشیم. ایران مال ماست، ما باید به اصلاح کار خودمان بپردازیم. ما باید اشخاص وطن‌پرست صالح کاردان با فکر روی کار آوریم و کارها را به دست این گونه اشخاص بسپاریم. انتخابات صحیح برای مجلس ملی خودمان بجا آوریم و اختیارات را در دست مجلس ملی بگذاریم و مطمئن باشیم که به طریق دلخواه با وجود سیاست خارجی جلو خواهیم رفت. این بود خلاصه نطق این آقای ملی آزادیخواه در مقابل نطق اولی راجع به روسیه در پایان این جنگ. این نطق هم مورد تصدیق تقریباً تمام آقایان قرار گرفت.

نطق سوم

یک نفر سومی در مختصر نطقی اظهار کرد چنان که در کوچه و بازار می‌گویند «بزک نمیر بهار میاد» ما هم نمی‌توانیم با این نویدها خودمان را کاملاً قانع نگه داریم. بدیهی است بالاخره کارها در دست خود انسان است. این کشورهایی که ترقی کرده [اند] و دارند جلو می‌روند خودشان این ترقیات را بجا آورده‌اند. این ترقیات برای آنها از آسمان نیامده است. در اینکه ما باید کوشش داشته باشیم، در اینکه باید مانند این آلمانها که کار می‌کنند کار کنیم و خودمان را در شاهراه ترقی بیندازیم حرفی نیست. ولی آن خودمان را باید پیدا کرد و از کجا پیدا شود؟ درست است تاریخ ما باستانی است. درست است ما همت مردانه در تاریخ از خود نشان داده‌ایم اما متأسفانه امروز به این حالت افتاده‌ایم و [کار] دنیا هم چنان که می‌دانیم با حرف انجام نمی‌گیرد. باید ما که مدتی خارج از ایران بوده [ایم] و در این مدت همه نوع سرد و گرمی چشیده‌ایم طرق نیل به این سعادت [را] پیدا کنیم و با وسائل ممکنه به آرزوی خود برسیم. بنابراین باید هر کدام یک نقشه‌ای روی ذوق و اطلاعات خود برای بهبودی اوضاع کشور ستم‌دیده خودمان ترسیم کنیم و با آن نقشه دامن همت را بالا زده به تهران

برگردیم و مشغول کار شویم. بلکه با این همت بتوانیم کاری از پیش ببریم. بدیهی است اول چیزی که برای ما امروز لازم است ایجاد یک معارف صحیح امروزی می باشد. این معارفی که داریم باید اصلاح بشود و جوانان را تا حدی که ممکن است در جامعه به معارف تشویق کنیم و از آنها فایده لازم ببریم و خیلی چیزهای دیگر. حالا ما باید با این فکر مجلس خودمان را خاتمه داده به همان قصدی داریم که هر چه زودتر جواز حرکت به دست آورده به ایران برگردیم. بکوشیم زودتر خودمان را به مقصود برسانیم.

سخنان نویسنده

قبل از اینکه آقایان برخیزند نگارنده نیز اظهار کردم: در اینکه پیشامد برای ما چندان مضر نیست بلکه مفید هم می باشد نباید تردید داشته باشیم. یقیناً با شرکت امریکا در این جنگ و با سابقه آزادیخواهی و بشردوستی مستر ویلسن و چهارده ماده او و حضور خودش در مذاکرات صلح یک سیستم آرامش دستجمعی برقرار خواهد شد که دول کوچک و ضعیف از آن بهره مند شوند. کشور ما یکی از آن کشورهاست که سالها ستم دیده و مستحق آن است که در این موقع هر قدر می تواند استفاده ببرد. ما باید طریقه فکر و کار خودمان را تغییر دهیم. خودخواهی را تا حدی که ممکن است کنار بگذاریم و فکری برای اصلاح جامعه خودمان بنماییم. جامعه ما نیازمند به عدالت اجتماعی است. این اختلاف که امروز میان طبقات مختلف کشور ما موجود است باید برطرف شود. هر کس به قدر [استحقاق] خود و به سهم کاری که در جامعه انجام می دهد و فایده‌ای که جامعه از او می برد، استفاده نماید. بیرحمی را باید کنار بگذاریم و نظری به طبقات پایین داشته باشیم. تمکن و نفوذ و قدرت را در دست معدودی از اهالی کشور محدود نکنیم. کشور ما محتاج به آبادی است. در هر رشته

از زندگی اجتماعی، ما نیازمند به اصلاحات بلکه تأسیسات امروزی می باشیم. ما کشاورزی امروزی لازم داریم که اراضی بایر خودمان را تحت کشت و زرع بگذاریم. معادن زیرزمینی ما باید کشف [شود] و به کار افتد. ما نیازمند به مصنوعات و آلات و ادوات کار امروزی هستیم و این گونه مصنوعات و آلات و ادوات، کارخانجات امروزی لازم دارد. بالاخره باید به زندگی جامعه بیچاره خودمان سر و صورت امروزی بدهیم و با وسائلی که در دست داریم با کار و کوشش طبق ملل امروزی زندگی کنیم.

وظایف ما

به عقیده نگارنده اول چیزی که ما می خواهیم وحدت نظر میان خودمان است. ماها که در اینجا جمع شده‌ایم و احزاب سیاسی ایران را تشکیل می دهیم باید اغراض خصوصی را کنار بگذاریم و با تمام قوا سعی کنیم اشخاص صحیح وطن پرست با فکر و با اطلاع برای نمایندگی مجلس شورای ملی در نظر بگیریم از میان خودمان یا از دیگران، و به دیگران هم مثل خودمان نظر افکنیم و تا آنجا که ممکن است در صحت انتخابات بکوشیم و نگذاریم دولت نظری در انتخابات مجلس شورای ملی اعمال کند و اشخاص نالایق مغرض را بر کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی بنشانند. پس از آنکه چنین مجلسی انتخاب شد امیدواری حاصل می شود. چنین مجلسی می تواند مقدمات رفاه حال جامعه را فراهم نماید. کشورهای دیگر که به ترتیب دموکراسی اداره می شوند روی همین اصول کار می کنند. ترقی آنها معجزه نیست، روی اصولی است که امور خودشان را مرتب می نمایند. قانون اساسی بیخود تدوین نمی شود. پارلمان بدون اخذ چنین فایده‌ای به وجود نمی آید.

مجلس صحیح - سیاست صحیح

اگر مجلس صحیح شد، اگر پارلمان از طرف ملت حقیقتاً انتخاب شد،

اگر حکومت فی الحقیقه روی اصول قوانین اساسی به وجود آمد و اشخاصی که طرف تمایل پارلمان [باشند] و اشتها به صحت عمل و درست‌ی و اطلاعات لازمه دارند بر مسند امور حکومت نشستند، اصلاحات بدون زحمت صورت می‌گیرد و کشور در شاهراه ترقی قدم برمی‌دارد. ما باید ظاهرسازی را کنار بگذاریم و به معنویات بپردازیم. ظاهرسازی دوام و فایده‌ای ندارد و سعادت‌ی برای جامعه به دست نمی‌آورد. اول چیزی که لازم داریم تعیین و تثبیت یک سیاست صحیح عاقلانه خارجی و داخلی می‌باشد. تعیین چنین سیاستی به دست یک عده اشخاص لایق با فکر، با تدبیر و وطن‌پرست ایجاد می‌شود و چون مهار عمده و اساسی کار در دست مجلس شورای ملی ماست و ما از همان اول سعی کردیم اشخاص لایق و دلسوز و با تجربه و فکر کامل بر مسند امور حکومت بگذاریم چندان اشکالی در اصلاح نخواهیم دید و راه همین است.

انتخابات صحیح

ما همین چند نفر که دور هم جمع شده‌ایم نباید این موضوع را از محالات قرار دهیم. ما مدتی است که در راه آزادی و دموکراسی و ایجاد یک حکومت مشروطه واقعی برای ایران قدم برداشته‌ایم. ما که به تهران برگشتیم باید در همین زمینه کوشش کنیم و در راه به عمل آوردن یک انتخابات صحیح و نشانیدن یک عده مردمان لایق و وطن‌پرست بر کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی کوشش کنیم. خود ما باید بدانیم که اگر به صورت ظاهر هم باشد باید در سیاست خارجی با همه دوست باشیم، به خصوص با همسایگان خودمان. ولی تحت نفوذ هیچ کدام نرویم و حقوق ایران را حفظ کنیم. این سیاست خارجی ما. در سیاست داخلی هم باید ترقی خواه و اصلاح طلب - تا حدی که ممکن است - و [خواهان] فراهم

نمودن عدالت اجتماعی و یکنواختی افراد کشور باشیم. با قدم شمرده و ثابت به طرف جلو برویم و مطمئن باشیم که به ترقیات و صلح و سعادت حقیقی نایل خواهیم شد.

راه راست

مجلس شورای ملی باید کاملاً ملی باشد و دولت در آن نفوذ نکند و از اشخاص با اطلاع و بی‌غرض و میهن‌دوست تشکیل شود. محقق بدانید چنین مجلس شورای ملی کوشش در روی کار آوردن اشخاص لایق و فعال و بااطلاع خواهد نمود و راه را برای استفاده کامل از اوضاع آرام بعد از این جنگ بجا خواهد آورد. این را هم باید بدانیم که ترقیاتی را که ما خواهیم در مدت کمی میسر نمی‌شود ولی باید مطمئن باشیم همین که پا در راه راست صحیح گذاشتیم چنان که دیگران گذاشته‌اند، جلو رفتن مانعی نخواهد داشت. هر قدر که جلو رفتیم دامنه ترقیات وسیع‌تر خواهد شد. جلسه در اینجا با خدا حافظی آقایان پایان یافت.

میلیارد مارک طلا غرامت به کشورهای متفقین بدهد به شرط آنکه مستعمرات و سفائن تجارتي آلمان دوباره برای آلمان قابل استفاده قرار گیرد، بلکه آلمان بتواند با کمک و همدردی بین‌المللی این بار سنگین [را] که امروز بر روی شانه او افتاده [است] حمل نماید.

عقاید مطبوعات

میزان قوای نظامی که متفقین برای آلمان معین کرده‌اند ایرادی بر آن نیست و آلمان قبول دارد. ولی در عوض کشتیهایی که برای حمل بار لازم دارد به او مسترد شود تا پس از امضای صلح بتواند داخل جرگه مجمع اتحاد ملل قرار گیرد. افکار و مطبوعات دست راست کشورهای متفقین با این پیشنهادات که ذکر شد مخالف است و آنها را قابل قبول نمی‌دانند. برعکس افکار و مطبوعات دست چپ کشورهای متفقین با قبول این پیشنهاد موافقت نشان می‌دهند. میانه‌روها این پیشنهاد را قابل مذاکره می‌دانند و می‌گویند می‌شود پس از مذاکرات لازم به انعقاد صلح قطعی پرداخت.

جواب به آلمان

۳۱ ماه مه تا ۱۵ ژوئن ۱۹۱۹ - نمایندگان متفقین مشغول مذاکرات میان خودشان می‌باشند تا جواب پیشنهاد آلمان را تهیه کنند. از قراری که گفته می‌شود تغییرات مهمی در این پیشنهاد داده نخواهد شد چون آلمانها زمینه را برای مذاکره باز گذاشته‌اند. اگر فی الحقیقه مرزهای فعلی آلمان مورد موافقت متفقین نباشد و به خصوص به مرزهای شمال شرقی و جنوب غربی آلمان ایراداتی داشته باشند راه به دست آوردن آرای اهالی آن قطعات باز است و روی آرای اکثریت تعیین حدود مرزی می‌شود. اما راجع به سفائن تجارتي آلمانها بی‌حق نیستند. امروز محتاج به مواد اولیه و

مقدمه صلح و انعقاد عهدنامه

پیشنهاد آلمان

در ۲۹ مه ۱۹۱۹ میسیون آلمان پیشنهاد حکومت فعلی آلمان را در جواب متفقین در ورسای تقدیم کرد. آلمان در این پیشنهاد خود به اصول چهارده ماده مستر ویلسن متوسل شده، تقاضاهای متفقین را غیرقابل تصور می‌نماید. دولت آلمان هیچ مخالفتی به سرشماری در تمام قطعات مرزی خود ندارد و حتی مایل است که در تمام این قطعات سرشماری صحیح و اخذ آرا به عمل بیاید و نقاط مرزی آلمان روی اصول آرای اهالی محل مستقر گردد. اگر نخواهند جزو کشور آلمان و از اتباع آلمان قرار بگیرند، آلمان هیچ ایرادی نخواهد داشت. اما در خصوص ایالات آلزاس و لرن، آلمان حاضر است به فرانسه مسترد نماید. ولی این استرداد نیز بایستی پس از اخذ آرای محلی صورت گیرد. اگر اهالی با اکثریت آرا خواستند به فرانسه تعلق گیرند بسیار خوب از طرف آلمان هیچ‌گونه ایرادی نیست. ولی اگر نخواستند باید مانند ایالات و قطعات مرزی دیگر جزو آلمان باقی بمانند. راجع به موضوع غرامت، آلمان حاضر است تا میزان یکصد

غذایی هستند و به هر طریقی هست باید این مواد را وارد کنند و کشورهای متفقین در این کار برای نجات اهالی آلمان دست خواهند داد. در خصوص غرامت هم فی الحقیقه بیش از این آلمانها مشکل است استطاعت پرداخت داشته باشند و تمام این غرامت به طلا پرداخته شود. و هر قدر آلمان متمکن باشد از عهده پرداخت چنین مبلغ خطیری برآمدن کار آسانی نیست.

دیدار بلوشر

دیگر در حقیقت ماندن در آلمان برای نگارنده چندان فایده‌ای ندارد. پایان جنگ معلوم [است] و ما هم باید هر چه زودتر به تهران برگشته به اجرای تصمیماتی که داریم پردازیم. قبل از حرکت لازم است با بعضی از آلمانها که در کار هستند و با آنها آشنایی پیدا کرده ملاقات کنیم. فن بلوشر را که امور ایران در وزارت خارجه آلمان به او محول است ملاقات کرده، با او مذاکرات مفصل کردم. خیلی تعارف می‌کرد و می‌گفت جای تأسف است که ما امروز بدین ترتیب مبتلا به شکست شده‌ایم ولی باید اهالی ایران بدانند که ما هیچ‌گونه نظر سوئی نسبت به ایران نداریم. اگر غالب می‌شدیم هر [چه] ممکن بود و می‌توانستیم برای بهبود حال ایران و برای ترمیم خرابیهایی که به ایران وارد شده [است] و تجاوزاتی که به استقلال ایران کرده‌اند اقدام می‌کردیم. یقیناً خود شما هم که از افکار و عقاید ما در این مدت جنگ اطلاعات دست اول تحصیل نموده [اید] می‌دانید که ما جز نظر خوب نسبت به ایران نداریم و حفظ استقلال و شخصیت ایران برای ما مفید است. بلوشر می‌گفت خیال داریم آقایان ایرانیان مقیم برلن را به یک شام خداحافظی دعوت کنیم.

دیدار میتوخ

پروفسور میتوخ که در زمان جنگ کار بزرگی را راجع به امور شرق بر

عهده داشت [دیدم]. تبلیغات جنگی آلمان در اداره او طبع و منتشر می‌گردید. پروفسور نامبرده هم از خدمات و روش سیاسی و اخلاقی آزادیخواهان و ملیون ایران تمجید و اظهار تأسف می‌کرد که نتوانستیم با این پیشامدها خدمتی نسبت به ایران انجام دهیم. ولی آتیه در جلو است. ما هر قدر بتوانیم در هر موقع به ایران و به حفظ استقلال ایران کمک خواهیم کرد.

دکتر مولر

دکتر مولر دبیر و مدیر جریده شرق جدید که قسمت ایران بلکه تمام ممالک اسلامی تحت نظر او مورد مطالعه و از نظر سیاست مورد دقت بود، از خدماتی که اینجانب در این مسافرت انجام داده و نام ایران را در حقیقت در جلو نظر کلیه ملل [قرار داده] و جلب همدردی با ایران [کرده‌ام] تمجید می‌کرد.

دکتر لیتن

دکتر لیتن قنصل سابق آلمان در تبریز که او هم خدماتی بالنسبه مهم راجع به ایران و مشرق زمین برای وزارت خارجه آلمان صورت می‌داد و با ایرانیان مقیم برلن تماس داشت، مفصل راجع به ایران و تجاوزاتی که به ایران از طرف دولتین روس و انگلیس شده، به خصوص تحمیلاتی که در این جنگ به ایران وارد شده [است] صحبت می‌کرد.

آلمان و بازی فردا

تمام این آلمانها که در امور وزارت خارجه آلمان مداخله و سمت خدمتگزاری داشتند امیدواری به آتیه را از دست نداده [اند] و اگر فی الحقیقه باطناً هم امیدواری نداشته باشند آن را ظاهر نمی‌نمایند و

می‌گویند امروز با این پیشامدهای سوئی که برای کشورهای مرکزی اروپا پیش آمده [است] بایستی ساکت بود، اظهاراتی نکرد ولی به کار پرداخت تا آنکه موقعی بهتر به دست آید. آلمانها در بازی امروزی باختند ولی برای بازی فردا باید حاضر باشند و بیمی در خود راه نمی‌دهند.

حرکت به هلند

روز یکشنبه ۱۵ ژوئن ۱۹۱۹- با برلن خداحافظی بجا آوردیم. پس از این توقف طولانی امروز به خارج آلمان و به طرف هلند حرکت می‌کنیم. در این مدت طولانی نمی‌توان گفت که خیلی خوش گذشت ولی بدیهی است بی نتیجه هم نبوده است. برای ایران هر قدر توانستم کار کردم ولی بدیهی است از هر کاری نمی‌شود انتظار داشت نتیجه مطلوبه به دست آید. برای حفظ استقلال و موقعیت و شخصیت کشور خودمان می‌کوشیدیم و می‌کوشیم.

هدف ما و نتایج سفر

هر موقعی اقتضایی دارد. ما در اوایل این جنگ در نظر داشتیم که قسمت متحدین را در دست داشته باشیم که اگر اینها فاتح شدند حقوق ما را حفظ کنند و تجاوزاتی را که به کشور ما شده [است] بلکه جبران کنند. همان زمانی که قشون روس طرف شمال ایران را در تصرف داشت ما برای جلب کمک و نیرو به آلمانها متوسل شدیم. مطابق یادداشتهایی که در فصول همین کتاب به نظر خوانندگان محترم می‌رسد اینجانب با اشکالاتی که در زمانهای غیرعادی برای چنین مسافرتها در نظر است به آلمان و به پایتخت این کشور برلن سفر کردم و به عقیده خود آنچه توانسته‌ام و ممکن بود به تکالیف وجدانی خود رفتار نموده‌ام و از استقبال هیچ‌گونه پیشامد ناگواری روگردان نبوده‌ام. علاوه بر این آنچه ذکر شد در انجام خدمات

نسبت به کشور خود، یک نتیجه دیگر که از این توقف ممتد در آلمان گرفته‌ام همانا وقوف نسبتاً کامل به رموز ادبیات و زبان آلمانی است و این یادگار بزرگی از این سفر مهاجرت اینجانب است که تا پایان عمر از برای نگارنده باقی خواهد بود.

خروج از آلمان

ساعت هفت و پنج دقیقه صبح از ایستگاه شلزیسه بانهوف به طرف هلند حرکت کردیم. از آقایان ایرانیان کسی به بدرقه اینجانب نیامد. یعنی دیروز با تمام آقایان خداحافظی کردم و برای آنکه برای آنها زحمتی ایجاد نشود ساعت حرکت خود را به آنها اظهار نکردم. آقای نواب با خانم خودش به لب دریا رفته [بود] و در برلن نبود ولی سایرین را که در برلن بودند ملاقات کردم. ساعت هفت بعدازظهر از سرحد شمال غربی آلمان خارج و وارد خاک هلند شدیم.

در لاهه

دوشنبه ۱۶ ژوئن ۱۹۱۹- مقارن ساعت ۱۱/۵ قبل از ظهر وارد شهر لاهه پایتخت کشور هلند شدیم و در هتل سانترال که از هتلهای بزرگ لاهه است منزل گرفتیم. بعدازظهر به ملاقات آقای شعاع‌الدوله نماینده سیاسی ایران در هلند رفتیم. معلوم شد روز قبل ایشان برای یک هفته به بروکسل رفته‌اند. ولی آقای منتظم‌السلطنه برادرزاده ایشان در اینجاست و کارهای سفارت سپرده به ایشان می‌باشد. ایشان شب به ملاقات من آمدند. جوانی است بسیار خوش منظر، پسر حاجی ناصرالسلطنه با عموی خود به سمت نیابت سفارت هلند مأموریت یافته است. از اوضاع اجتماعی و سیاسی هلند مفصل صحبت می‌کرد. رویهمرفته از این جنگ خساراتی به کشور هلند و اهالی آن وارد نشده، ولی بدیهی است بعضی تضییقات به طور غیرمستقیم به هلند وارد آمده است.

آزادی ارتباطات

سه شنبه ۱۷ ژوئن - صبح را با آقایان منتظم السلطنه و مصطفی خان با هم بودیم. از قرار اظهار منتظم السلطنه سروالتراونلی وزیر مختار انگلیس در هلند با خانمش به آمستردام رفته است. با سفارت ایران تماس دوستانه دارد. تاونلی مدتی به سمت وزیرمختاری انگلیس در تهران بود و علی الظاهر همدردی برای ایران اظهار می کرد. بعد از ظهر از موقعیت اینجا و آزادی که در ارتباطات پستی و تلگرافی وجود دارد استفاده کرده چند نامه به تهران و بستگان و دوستان خود نوشته با پست سفارشی فرستادم. سپس موقع را غنیمت شمرده دو ساعتی در شهر لاهه که فی الحقیقه پاک و تا حدی فرح انگیز است به گردش پرداختم. هوا بالنسبه گرم و خوب است. مدتی بود در حقیقت در برلن محصور بودیم. امروز مثل اینکه برای نگارنده آزادی ایجاد شده است. با انبساط خاطر و میل تمام از این آزادی استفاده می کنم.

عقاید تاونلی

پنجشنبه ۱۹ ژوئن - دیشب آقای شعاع الدوله به لاهه برگشت و امروز صبح ایشان را مفصلاً ملاقات کردم. بسیار شخص مهربانی است و به خصوص نسبت به اینجانب محبت مخصوص اظهار می دارد. قرب دو ساعتی با هم صحبت کردیم. ایشان با سروالتراونلی تماس دارد و با او آمد و رفت می کند. می گفت عقیده او بر این است که بعد از جنگ، انگلیس باید مالیه ایران را تحت نظر و سرپرستی خود بیاورد. در این زمینه مفصل میان آنها صحبت شده است. بدیهی است شعاع الدوله این عقیده را رد کرده آن را منافی استقلال ایران می دانست. ولی سروالتراونلی می گوید ایرانیان درست آن طور که باید و شاید از ترتیبات مالیه اطلاعی ندارند. سیستم و ترتیب مالیه ای که آنها دارند تقریباً از زمان قبل از قرون وسطی حکایت می کند.

ایراد بر مستوفیان

این چه ترتیبی است که مستوفیان ایران دارند. در هر شهر و در هر دهکده و مزرعه ای کتابچه ای در دست مستوفی است و او به اختیار خود از مالکین و رعایا هر قدر می تواند نقد و جنس از گندم و جو و برنج تا تریاک و تنباکو وصول کرده و به میل خود هر قدر بخواهد در دفتری ثبت نموده و هر قدر از آن را که انصافش روا دارد به اعتبار دولت می گذارد و چون خودش را هم فرد عمده ای از دولت محسوب می دارد در حقیقت به حساب و اعتبار خودش گذاشته است. آیا جزئیات این عواید به تهران می رسد و در کتابچه های مخصوص ثبت می شود و ثبت کل به نظر دولت می رسد؟ ملاحظه کنید چنین سیستمی به چه ترتیب برای ایران مفید خواهد بود. ایران امروز محتاج به پول است و پول از کجا عاید می شود. باید از خزانه دولت که مرکز وصول صحیح کلیه عایدات است پول به دست آورد. دیگر آنکه متأسفانه این مستوفیان امین نیستند و نمی شود به آنها اعتماد کرد.

نظر شعاع الدوله

آقای شعاع الدوله می گفت جواب من در مقابل تمام این اظهارات این بود که اگر دولت انگلیس رعایت شئونات و استقلال ایران را بکند و نظر سوئی نسبت به حقوق ایران نداشته باشد همدردی کلیه وطن پرستان ایرانی را جلب خواهد کرد. به علاوه به احتمال کلی [برای حفظ] منافع خود انگلیس در مشرق زمین، به خصوص با موقعیت جغرافیایی که ایران دارد، استقلال ایران برای انگلیس لازم است. ایران مستقل و آزاد و تجددخواه و بالنسبه قوی برای انگلیس چه ضرری خواهد داشت جز آنکه ایران در مقابل روسیه سدّی تشکیل داده از منافع انگلیس در مستعمراتش [حفاظت] خواهد نمود. ولی متأسفانه [با عقد] قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روس تمام امیدواری که از سیاست انگلیس در ایران بر جا بود منتفی

گردید و امروز ایرانیان به حق همان نظری را که راجع به روسیه تزاری داشته‌اند به انگلیس نیز دارند. تا بعد از این در جنگ چه پیشامدها به میان آید.

جواب متفقین

روز دوشنبه گذشته متفقین جواب پیشنهاد آلمان را به شکل اولتیماتوم دادند و تقریباً همان پیشنهاد قبلی خود را تأیید کرده‌اند و پنج روز به آلمان مهلت داده‌اند که جواب مثبت و یا منفی به متفقین بدهد. تنها تغییری که در این پیشنهاد داده شده این است که واگذاریهای قسمتهای مختلف مرزی بالصراحه ذکر نشده و این موضوع را مسکوت گذاشته‌اند. ولی در موضوع آلاس و لرن و واگذاری این دو قطعه به فرانسه و واگذاری قطعی کشتیهای تجارتي به متفقین و پرداخت غرامات به طلا صراحتاً ذکر و از آلمان درخواست شده [است] در صورت قبول فوراً به انعقاد معاهده صلح پردازد.

استعفای شایدمن

جمعه ۲۰ ژوئن - امروز چند نامه به تهران نوشتم و دو تلگراف نیز مخابره کردم. مدتی پیش از ظهر و بعد از ظهر با آقای شعاع الدوله ملاقات و مفصلاً صحبت کردم. تمام صحبت ما از وضع ایران و آتیه نزدیک خودمان تجاوز نمی‌کرد. از قرار خبری که امروز رسیده آلمانها شرایط اخیر متفقین را که به آنها پیشنهاد شده قبول خواهند کرد ولی کابینه شایدمن که حکومت فعلی آلمان را تشکیل می‌دهد استعفا داده است و کابینه تازه‌ای برای قبول و امضای صلح روی کار خواهد آمد که مسئولیت این قرارداد بر عهده آن قرار گیرد. امروز تمام روز را باران می‌بارید و هوا به کلی تغییر کرد. بدیهی است با موقعیتی که هلند دارد و قسمتی از سطح آن پایین‌تر از سطح دریا واقع است رطوبت و بارندگی آنجا زیاد می‌باشد.

ملاقات دکتر روزن

شنبه ۲۱ ژوئن - امروز پیش از ظهر دکتر روزن آلمانی را که در هلند است ملاقات کردم و ساعتی با او درباره ادبیات فارسی و رباعیات خیام که اطلاع کاملی دارد [صحبت کردم]. می‌گفت نسخه‌ای از ترجمه عمر خیام به زبان آلمانی مجدداً از طبع بیرون می‌آید. ترجمه عمر خیام دکتر روزن تقریباً بهترین ترجمه است که به شعر آلمانی بیرون آمده و نیز آن اشعار را با موسیقی منطبق کرده [است] در کنسرتها می‌خوانند. به یاد دارم در زمستان گذشته در یکی از تالارهای تیاتر برلن نمایشی از اشعار و موسیقی عمر خیام دکتر روزن داده شد و فوق‌العاده جالب نظر گردید. قسمت عمده‌ای از مستشرقین و پیروان موسیقی و اشعار مشرق زمین در این نمایش حضور یافته بودند. با دکتر روزن مذاکره ترجمه باباطاهر به میان آمد. می‌گفت چند رباعی باباطاهر را به زبان آلمانی قبلاً ترجمه کرده و آن را در آتیه نزدیکی تکمیل نموده مانند عمر خیام اشاعه می‌کند و آن را هم نیز با موسیقی برای نمایش تطبیق خواهد داد.

یکشنبه‌های هلند

یکشنبه ۲۲ ژوئن - امروز هوا بسیار خوش است و بیشتر روز را با آقایان شعاع الدوله و منتظم السلطنه پسر حاجی ناصر السلطنه و مصطفی خان پسر مرحوم ثقه‌الملک بودم و ناهار و شام را با هم صرف کردیم. بد نگذشت. روزهای یکشنبه در هلند تعطیل عمومی کامل است. حتی روزنامه‌ها هم انتشار نمی‌یابد. بعضی ترتیبات و مقرراتی هلندیها در زندگی خود دارند که مخصوص خودشان است. مثلاً روزهای جمعه را به تمیز کردن خانه و مسکن خود می‌پردازند و حتی پاک کردن درب خانه‌ها و پیاده‌روهای بیرون و شستن و صابون زدن کف راهروها با صاحبان مسکن می‌باشد. روزهای یکشنبه را راحتی کامل برای تمام افراد خودشان برقرار می‌سازند.

قبول صلح

از قرار راپرت روزنامه‌ها آلمانها قرارداد صلح را قبول خواهند [کرد] و بالاخره چاره‌ای هم جز این ندارند. آلمانها مجبورند بار سنگین این جنگ را بر عهده بگیرند و فقط امید آنها به آتیه است. نژاد ژرمن با تاریخی که در عقب گذاشته است از تحمل چنین بارها فرسوده نمی‌شود. رویهمرفته آن طور که در اینجا احساس می‌شود هلندیها نه متمایل به طرف آلمانها و نه به طرف متفقین می‌باشند. در حقیقت پیش خودشان یک حد متوسطی را قائل شده‌اند. باز از آنها شنیده می‌شود که همدردی نسبت به آلمانها به واسطه تضییقاتی که بر آنها وارد است اظهار می‌دارند و به‌طور غیرمحسوسی از سخت‌گیریهای متفقین نسبت به آلمانها شکایت می‌کنند.

نظریات تاونلی

دوشنبه ۲۳ ژوئن - امروز پیش از ظهر آقای شعاع‌الدوله با سروالتر تاونلی وزیر مختار انگلیس در هلند ملاقات کرده و مفصل راجع به ایران و ایرانیان آزادیخواه و ملی که فعلاً در برلن می‌باشند و تقاضای جواز برای مراجعت به ایران کرده‌اند، [مذاکره] به عمل آورده وزیر مختار مذکور گفته است چه خوب می‌باشد که این آقایان دیگر در آلمان نمانده به ایران مراجعت [کنند] و در آنجا مشغول کار شوند. توقف در آلمان برای آنها امروز چه فایده‌ای دارد؟ اگر خوب می‌خواهید بدانید دیروز هم برای آنها فایده‌ای نداشت. از اول بی‌خود خودشان را در این معرکه انداختند و خطراتی متوجه خود ساختند. دولت انگلیس هیچ وقت نظر سوئی نسبت به ایران نداشت ولی بدیهی است سیاست خودش را بنا به مقتضیات وقت راجع به ایران و قسمت شرق نزدیک و کلیه آسیا و بلکه کلیه نقاط دنیا ترتیب می‌نمود. و ترتیب چنین سیاستی کار آسانی نیست.

منافع انگلیس

دولت انگلیس می‌خواهد منافی را که خود در نظر دارد حفظ کند و عمده این منافع متعلق به اوضاع بازرگانی و بازارهایی است که انگلیس برای خود در اطراف دنیا با زحمت زیاد باز کرده است و این را اهالی این کشورها باید بدانند که یک خدمتی است که سیاست انگلیس برای آنها مرعی داشته [است]. ما که انگلیسی هستیم و من که نماینده سیاسی انگلیس در هلند می‌باشم به جرأت می‌گویم که باز کردن چنین بازارها بر تجارت انگلیس به صرفه هر دو، یعنی انگلیس و آن کشورها می‌باشد و مردم از بازرگانی انگلیس و رفتاری که با آنها می‌شود و آلات و ادوات جدیدی که به دست آنها داده می‌شود استفاده می‌کنند. بعضی از این کشورهای آسیایی و غیره هنوز به همان زندگانی قرون ماقبل قرون وسطی زندگی می‌کنند و اثری از اوضاع فعلی و تمدن امروزی در آنها مشاهده نمی‌شود. ما انگلیسها می‌رویم در آنجاها و در حقیقت درب تمدن را بر روی آنها باز می‌کنیم. از این موضوع نباید توهمی داشته باشیم. باز کردن این درهای تمدن مسئولیتی را بر روی شانه انگلیس وارد می‌کند. حالا اگر تجاوزی هم نسبت به اهالی محل شد سیاستمداران وقت دولت انگلیس مسئول می‌باشند و تمام آنها مبری از تقصیر و تجاوز نمی‌باشند.

استعمار

آقای شعاع‌الدوله در اینجا با تبسمی، استفاده از موضوع اخیر بیانات وزیر مختار انگلیس کرده می‌گوید بلی بد نیست، استعمار هم یک حقی است که دولت انگلیس برای خود منظور می‌کند و به تدریج تمام آنجاها را در تحت سلطه خود می‌گیرد و به عنوان گشادن درب تمدن و ترقی بر روی بومیهای محل، آن قطعات را در حیطه تصرف خود می‌آورد. در اینجا صحبت دو وزیر مختار پایان می‌یابد و وزیر مختار انگلیس اظهار می‌دارد

که روز بعد عازم لندن است و مسافرت او در حدود چهار الی پنج هفته طول خواهد کشید.

هوای هلند

هوای امروز معتدل است ولی باران سخت می بارد. به طور کلی هوای هلند به واسطه موقعیت جغرافیایی که دارد معتدل می باشد ولی بسیار نمناک است. صبح که انسان بلند می شود به قسمی شبم شب روی زمینها دیده می شود که نمایش بارندگی را می دهد در صورتی که بارندگی نشده است.

اخذ ویزا

سه شنبه ۲۴ ژوئن - امروز صبح به روتردام که یکی از شهرهای بالنسبه آباد و بزرگ هلند است رفتم و در آنجا قنصلخانه های فرانسه و ایتالیا را دیدن کردم که تذکره خود را به ویزا برسانم. علی الظاهر ایرادی برای ویزای تذکره نکردند ولی صورت تذکره را برداشته قرار گذاشتند دو سه روز بعد در صدور ویزای آن اقدام کنند. من هم با تشکر قنصلخانه های نامبرده را ترک کردم.

هوا امروز از اعتدال خارج شده قدری سرد و بارانی است. حال من هم چندان خوب نیست. کسالت در خود احساس می کنم و درد دندان هم مرا اذیت می کند.

تظلم آلمان

صدای روزنامه های آلمان بلند شده است. از ظلم و ستم متفقین می نالند و اظهار می دارند که با وجود شکست قطعی آلمان و گرفتاریهای سخت امروزی آن کشور نباید احساسات عدالتخواهی و بشردوستی به کلی

فراموش شود. صحیح است کشور آلمان که دشمن سرسخت متفقین بوده و در این مدت مدید در میدان جنگ با آنها مبارزه کرده و صدمات سخت و تلفات زیاد بر آنها وارد نموده، در مقابل صدمات و تلفات زیاد نیز تحمل نموده است و امروز که به این حالت افتاده و دست بیچارگی به طرف متفقین دراز نموده و از آنها عهدنامه صلح و آرامش می طلبد، نباید چنین شرایط سنگین را بر آلمان تحمیل کنند. وانگهی مستر ویلسن رئیس جمهور آزادیخواه امریکا که خود را به آزادیخواهی مشهور کرده و چهارده ماده خود را مبنای مذاکرات صلح قرار داده است چرا باید چنین ظلم و ستمی را نسبت به یک کشور مغلوب روا دارد. با وجود چنین اظهارات از طرف روزنامه ها بالاخره آلمان مجبور به تسلیم شد و عنقریب قرارداد صلح در ورسای به امضا خواهد رسید.

اوایل شب به لاهه برگشته، پس از صرف شام به هتل مراجعت کردم.

غرق کشتیها

چهارشنبه ۲۵ ژوئن - امروز از هیچ جا خبری ندارم ولی با وجود جزئی کسالتی که احساس می کنم، مشغول نامه نویسی می باشم. هوا بالنسبه معتدل است [ولی باران سخت می بارد. آلمانها روز شنبه گذشته کشتیهای جنگی خودشان را در نزدیکی بندر شمالی انگلیس غرق کرده اند] که به دست متفقین نیفتد ولی به طریق اجبار کشتیهای تجارتنی خودشان را تسلیم کشتیهای متفقین خصوصاً انگلیسها کرده اند. از قرار اخبار روزنامجات مواد اولیه و به خصوص ارزاق از بنادر شمالی آلمان و از هلند و بلژیک وارد آلمان می شود.

چهارده ماده ویلسن

پنجشنبه ۲۶ تا شنبه ۲۸ ژوئن - در این سه روز مشغول تهیه و تکمیل کار

ویزای خود و فراهم کردن اسباب مسافرت بودم. تذکره مرا بدون اشکال زیاد ویزا کرده [اند] و از این راه دیگر اشکالی باقی نمانده است.

چنان که قبلاً نوشته شده کنفرانس صلح در ژانویه ۱۹۱۹ در ورسای شروع به کار نمود. نمایندگان کشورهای متفقین تماماً برای مذاکرات مقدمات صلح در آنجا اجتماع نمودند. مستر ویلسن نیز خود به پاریس آمده و برای خدمت به آزادیخواهی و فراهم آوردن زمینه آرامش برای دنیا بشخصه وارد جلسات کنفرانس گشته است. چهارده ماده و نظریات خود را برای فراهم آوردن اتحاد ملل به کنفرانس تقدیم کرد و تا حدی به قبولاندن آن موفق گردید.

طرح پیشنهادی او در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ به تصویب رسید ولی چنان که گفته‌ایم دعاوی ارضی فرانسه و ایتالیا و به خصوص احساسات فرانسویها در کشیدن انتقام از آلمانها و جبران تلفات و صدماتی که در سالهای ۷۲-۱۸۷۱ از طرف آلمان به آنها وارد شده بود و تحمیلاتی را که سیاست بیزمارک در زمان پادشاهی ویلهلم اول بر آنها وارد نموده بود و از [یاد] آنها هیچ وقت نمی‌رود، با مواد چهارده‌گانه ویلسن و نظریات و پیشنهاد او مخالفت داشت. بالاخره با زحمات زیاد ویلسن با پاره‌ای از درخواستهای فرانسه و ایتالیا موافقت کرد تا قرارداد را با یک وضعی به امضا رسانده صلح و آرامش ایجاد شود. بالاخره در روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ عهدنامه صلح در ورسای به امضا رسید و ایالات آکراس و لرن که خود دارای تاریخ بالنسبه مهم و جداگانه می‌باشد و ناحیه سار از آلمان مجزا شد و به فرانسه تعلق گرفت و ایتالیا هم در قسمت شمال شرق و جنوب شرق استفاده‌هایی نه به آن شدت که خود خواهان بود، از این عهدنامه برد.

فیلهای روسی و انگلیسی

اغلب ساعات روز را با آقای وزیر مختار و آقایان دیگری که با سفارت تماس دارند می‌گذرانم. دیروز آقای وزیر مختار نامه‌ای خصوصی از تهران

داشتند برای من خواندند. چون تا حدی مضحک بود بعضی از مطالبش را در اینجا ذکر می‌کنم. می‌نویسد اوضاع تهران چندان خوب نیست بلکه هرج و مرج زیادتر از ایام سابق است. فیلهای روسی قدیم عجالتاً از این جنگل خارج شده‌اند، اگر هم گوشه و کناری باشند خود را پنهان می‌دارند. بچه فیلهای روسی تازه هنوز به حد رشد و کمال نرسیده‌اند که از آنها اثری ظاهر شود ولی خود را توده روسی می‌خوانند. عجالتاً فیلهای انگلیسی تمام جنگل را از خود می‌دانند و روز به روز بر هیبت عظیم و وحشی‌گری خود می‌افزایند تا بعد ببینیم چه کارهایی صورت خواهند داد. حکومت هم مانند سابق داد بی‌پولی خود را بلند می‌دارد. دستجات هم به هم افتاده از قراری که می‌گویند میان دموکراتها اختلاف پدید آمده، دسته‌ای تشکیلی و دسته‌ای غیر تشکیلی با هم در نزاع می‌باشند. اعتدالیها هم بی‌رئیس عجالتاً ساکتند. ولی دست راستها عجالتاً بر جای خود محکم نشسته‌اند و ریاست و حکومت را از خود می‌دانند. انتخابات هم در شرف انجام است. آنچه محرز می‌باشد دولت فعلی مداخله‌ای در کار انتخابات ندارد و نتیجه انتخابات را برای خود یکسان می‌داند. تا بعد چه شود.

خدمت ویلسن

یکشنبه ۲۹ ژوئن ۱۹۱۹ - همین امروز پس از انجام کار کنفرانس مستر ویلسن فرانسه را ترک کرد و به طرف امریکا رهسپار شد. خوب اگر به کنه مسائل امروزی برخورداریم خواهیم دید که مستر ویلسن خدمات نمایانی صورت داد و اگر او نبود و کوششهای او اثر نداشت، عهدنامه صلح بدین شکل تنظیم نمی‌شد. فکر تشکیل جامعه ملل در میان نبود. بدیهی است آلمانها راضی نیستند. فغان مطبوعات و سیاسیون آلمان بلند است. ولی باز باید شاکر باشند که بدین ترتیب جنگ پایان یافت و از این ورطه

هولناک خلاص شدند. همین امروز که راهها برای آلمان باز شود کشتیهای پر از ارزاق و مواد اولیه به بنادر آلمان وارد می شود. فریاد آلمانها از تنگی و قحطی و گرسنگی بلند است. چه سختیهایی نبود که این ملت بر دوش نگرفت و بیشتر سیاسیون خودشان هم مترصد همین روزها بودند. چنان که گفته شد باید شاکر باشند که ویلسن تا حدی این کنفرانس را به نفع آنها خاتمه داد و اینجا بد نیست چند سطری از این رئیس جمهور آزادیخواه آمریکا یادآوری کنیم.

ویلسن کیست؟

نام اول او وودرو ویلسن متولد سال ۱۸۵۶ پس از مدتی خدمات نمایان در رشته فرهنگی، استادی و ریاست دانشگاه در سال ۱۹۱۰ وارد سیاست گردید. در دوم ژوئیه ۱۹۱۲ به نامزدی حزب دموکرات آمریکا برای ریاست جمهوری انتخاب شد. ویلسن همیشه در راه حق و عدالت قدم می زد و نطقهای مفصل می نمود. در ماه مارس ۱۹۱۳ به مقام رئیس جمهوری رسید. در سیاست خارجی چندان شهرتی به خود نگرفت ولی در امور داخلی همیشه فکر او با عدالت اجتماعی توأم بود و از این موضوع خارج نمی شد. چنان که با وجود ضعفی که برای خزانه آمریکا ایجاد شد تخفیف عمده ای در عوارض گمرکی آمریکا انجام داد. گمرک آمریکا بی تناسب سخت [بود] و عوارض سنگینی داشت و این عوارض بر طبقات پایین تحمیل زیادی بود. ویلسن با وجود مخالفت سرمایه داران بزرگ این قدم را برداشته، عوارض گمرکی آمریکا را پایین آورد تا فشار به زیردستان کم شود.

مداخله در جنگ

در ابتدای این جنگ بزرگ عالمگیر ویلسن اصرار داشت که آمریکا

باید بی طرف بماند ولی چنان که قبلاً اشاره شد عملیات زیردریاییهای آلمان که برای آمریکا ضرر فاحشی داشت و نیز [با صدمه ای که] در غرق این کشتیها به اتباع آمریکا وارد شد ویلسن مجبور به مداخله در جنگ شد و پس از انتخاب مجدد خود به ریاست جمهوری و با وجود امیدی که در بی طرفی آمریکا در این جنگ داشت معهداً چنان که قبلاً ذکر شد آمریکا داخل جنگ شد ولی هیچ زمان امید خود را برای استقرار پایه ای برای صلح دایمی از دست نداد. در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ نطق مهمی ایراد کرد و چهارده ماده خود را در همین نطق خاطر نشان نمود. ویلسن با وجود نفوذی که میان متفقین احراز کرده بود نتوانست آن طور که امیدوار بود عهدنامه صلح را منعقد سازد، معهداً موفق گردید انجمن اتفاق ملل که از آرزوهای او بود در آتیه تشکیل شود. حرکت همین امروز او به طرف آمریکا عدم رضایت او را از این عهدنامه صلح به خوبی می رساند.

اصلاحات ایران

امروز پس از صرف ناهار با آقایان ایرانیان صحبت از اصلاحات به میان آمد و مفصل راجع به آتیه نزدیک خودمان مذاکرات شد. چون در اینجا فکر قدری راحت تر است و بیشتر چنین چیزها در اطراف فکر انسان دوران دارد. بد نیست خلاصه فکر خودمان را راجع به اصلاحات ایران در اینجا منعکس کنیم.

انتخابات صحیح

۱- به عقیده همه انتخابات صحیح مجلس شورای ملی ایران مبدأ کلیه اصلاحات است. امروز کار اساسی در دست مجلس شورای ملی است. اگر مجلس شورای ملی دارای نمایندگان با اطلاع وطن پرست باشد که از امور مملکت مطلع باشند بدیهی است قدمهای اساسی در راه اصلاح

برداشته می شود. مجلس خوب، دولت خوب به وجود می آورد و دولت خوب است که مملکت را روی اصول صحیح اداره می کند. مجلس خوب وقتی به وجود می آید که دولت مداخله ای در انتخابات نداشته باشد. ولی این هم موضوع مهم و اساسی است که تا فرهنگ عمومی توسعه نیابد و تا مردم ده نشین سواد پیدا نکنند هر قانونی که برای انتخابات تدوین شود اجرایش بسیار مشکل است و بلکه جلوگیری از مداخله حکومت در انتخابات محال می باشد. حکومتی که در مرکز اعمال نفوذ در انتخابات می کند چطور می شود در دهات و قصبات و نقاط ایل نشین مداخله نکند. مع هذا نباید ناامید بود و باید در این راه کوشید و به هر نحو [که] ممکن است انتخابات صحیح ملی برای مجلس شورای ملی به عمل آورد و لاقلاً اکثریتی از مردمان نیک و عدالتخواه تشکیل داد.

اصلاح عدلیه

۲- اصلاح قوانین جزایی و امور عدلیه به طوری که با مقتضیات امروزی متناسب باشد. اشخاص فاسد را باید از عدلیه دور کرد و به جای آنها اشخاص نیکنام تری بر کرسی عدالت نشانید. این موضوع هم دقت لازم دارد. ولی بدیهی است اگر ما این را در نقشه کارمان قرار دهیم اصلاحش چندان مشکل نبوده و به مرور ایام کمی فراهم خواهد شد.

فرهنگ و علم

۳- ادارات فرهنگی و علمی امروزی باید در ایران به وجود آید. حالا راه اروپا به ایران باز شده و اشخاص تحصیل کرده امروزی میان هموطنان زیاد می شود. باید حکومت و مجلس از اینها استفاده کند. مدارس نوین تأسیس نماید و هر زمان که مقتضیات فراهم شد تعلیمات رسمی اجباری

در ایران برقرار سازد که مردم از این وضع امروزی خارج شوند. آموزش و پرورش توسعه پیدا کند. این موضوع هم کار یک روز نیست باید به تدریج ایجاد شود. ولی باید حتماً در سرلوحه نقشه اصلاحات برای ایران قرار داشته باشد.

سازمان اداری

۴- ادارات دولتی باید سازمان جدیدی به خود گیرند: اولاً باید به جوانان حالی کرد که کارهای آزاد بر [کار در] ادارات دولتی برای آنها ترجیح دارد. تمام به ادارات دولت فشار نیاورند و دولت هم متوجه باشد که عده صحیح بالنسبه متناسبی برای عضویت ادارات از میان جوانان امروزی انتخاب کند که فشاری به ادارات و بودجه دولت و جمع و خرج دولت وارد نشود. سازمان ادارات باید امروزی باشد، به خصوص اداریاتی که طرف مراجعه عموم می باشد. از همه مهمتر ادارات مالیه است که باید از روی صحت کار انجام دهد.

مجلس دوم شورای ملی با نیات میهن پرستانه که داشت قدمهای بسیار مفیدی در این راه برداشت و خزانه داری و امور مالیه را به شوستر و همکاران امریکایی او سپرد و به وسیله قوانین مدونه خود راه را برای اصلاح صحیح جمع و خرج مملکت و در حقیقت مقدمات اصلاحات عمومی ادارات دولت و تأسیسات دولتی را باز کرد. ولی متأسفانه تجاوزات خارجی نگذاشت مالیه ایران صورتی به خود گیرد. اولتیماتوم روس تزاری و تهدیدات نظامی این کشور جبار به اصلاحات مالیه ایران پایان داد و اوضاع را به حالت هرج و مرج سابق برگرداند. ولی نباید ناامید باشیم. با مجلس صحیح و نیات خیرخواهانه یک اکثریت قابل در مجلس از این موضوع هم صرف نظر نخواهد شد و مالیه ایران وضع منظم امروزی به خود خواهد گرفت.

تقسیم املاک و خالصه

۵- املاک باید بیشتر میان خود زارعین و کشاورزان قسمت شود و این موضوع را می‌توان به آسانی [با] تقسیم املاک [یعنی] فروش خالصجات دولتی شروع کرد. دولت فی الحقیقه اراضی می‌خواهد چه کند. اگر رئیس دولت می‌توانست بیل و کلنگ در دست گیرد و در صحراها به کشت و آبیاری پردازد بدیهی است بد نبود که دولت اراضی از خود داشته باشد. آیا رئیس دولت این کار را می‌کند؟ حتی وقت دارد که یک بذل توجهی به این اراضی بنماید و دلسوزی برای آبادانی این اراضی نشان دهد. مجلس شورای ملی می‌تواند قانون صحیح و عدالتخواهانه‌ای در این خصوص وضع کند. به نحوی که خرده مالک میان طبقه کشاورزان زیاد شود و اراضی از ید قدرت و نفوذ ملاکین بزرگ به تدریج خارج گردد. بدیهی است چنین اصلاح اساسی در یک روز فراهم نمی‌شود ولی همین که مملکت در راه صحیح افتاد و این موضوع در سرلوحه اصلاحات قرار گرفت فراهم شدن آن حتمی می‌باشد. این موضوع به خصوص نقشه‌های پنج ساله و ده ساله و مدت‌دار لازم دارد. چنان که دیگران داشته‌اند و انجام داده‌اند.

ازدیاد آب

دیگر آنکه ما در ایران محتاج به زیاد کردن آب برای کشت و زرع می‌باشیم و با وسایل امروزی این کار هم چندان اشکالی ندارد. [با] کندن چاه‌های عمیق، استفاده بیشتر از آب کوهها و دره‌ها و ساختن سدها. این موضوع مهم هم برای کشت اراضی ایران فراهم می‌شود ولی با نقشه‌های صحیح.

قطع دستهای فساد

۶- تدوین قوانین سخت از طرف مجلس برای برطرف نمودن خائنین و

غارنگران و کوتاه نمودن دست آنها از خزانه دولت. دست فساد را از ایران به خصوص از ادارات دولتی باید کوتاه کرد. باید در نقشه ما این باشد که بیروان رژیم سابق را از کار برانیم و هواخواهان رژیم امروزی را در ادارات دولتی تشویق نماییم تا به تدریج ایران صورت امروزی به خود گیرد.

عدالت اجتماعی

۷- باید در تشویق عدالت اجتماعی بکوشیم و این کار مهم هم در دست مجلس شورای ملی است. تمام قوانین که از مجلس می‌گذرد باید از این مرحله دور نباشد و اشخاصی هم که برای انجام امور دولت انتخاب می‌شوند از این موضوع مهم دوری نکنند. فی الحقیقه آمال ما تمام ایرانیان باید برقراری عدالت اجتماعی در ایران باشد. دموکراسی با فقدان عدالت اجتماعی سازگار نیست. در یک کشور آزاد امروزی تمول نباید در دست اشخاص معدودی انبار شود. اراضی نباید به اشخاص معدودی تعلق گیرد. نعمت زندگی باید برای همه مردم فراهم باشد. همه مردم باید از فرهنگ استفاده کنند. همه مردم باید در انجام کارهای کشور شریک باشند. سرمایه‌های عمده باید در راه آبادی و عمران صرف شود. مردم نباید بی‌کار بمانند، در حقیقت عدالت اجتماعی است که ترقیات مادی و معنوی در کشوری ایجاد می‌نماید، اخلاق و نیت نیک برای مردم فراهم می‌سازد. باید در جامعه امروزی حس همدردی ایجاد شود و آن را باید پیوسته تقویت کرد و این را دانست که آسایش عمومی و آرامش اجتماعی بدون عدالت اجتماعی فراهم نمی‌گردد و هیچ‌گونه ترقی امروزی بدون وجود عدالت اجتماعی میسر نمی‌شود.

تنها مجلس

از این نظر که بیان شد و نقشه‌ای که در جلو نظر خواننده عزیز قرار گرفت

تنها مجلس شورای ملی و انتخابات صحیح مجلس است که ما را به سعادت اصلاحات واقعی امروزی و نیل به عدالت اجتماعی نایل می‌گرداند. اکثریت مجلس که صالح شد و از راه ترقی و تعالی خارج نگردید، عدالت اجتماعی بسط پیدا می‌کند. رفتار ما نسبت به زیردستان در ایران باید به کلی تغییر کند. مادران باید در پرورش نوباوگان خود تشویق شوند و تمام افراد جامعه از زن و مرد برای انجام امور مهم عمومی جامعه در محیط خود مجهز شوند تا کشور مترقی امروزی به وجود آید.

خیال سفر پاریس

فردا صبح خیال حرکت به طرف پاریس دارم و نقشه‌ای که فعلاً برای مراجعت خود به تهران معین کرده‌ام از این قرار است که چند هفته‌ای در پاریس توقف کرده و از آنجا به رم بروم و دو هفته‌ای هم در رم توقف کرده از آنجا به تریست رفته و از آنجا با کشتی به طرف استانبول به دریای سیاه و باطوم و از باطوم به بادکوبه و از بادکوبه به دریای خزر و انزلی به ایران وارد شوم. جواز حرکتم حاضر است و دیگر اشکالی در مسافرتم نیست. این یادداشتها و نوشتجات زیاد که از این مسافرت جمع شده اینجا در یکی از بانکهای هلندی می‌سپارم که سالم بماند و اینک قبل از خداحافظی با خواننده عزیز چند سطر از هلند نوشته و این مملکت را به خوانندگان معرفی می‌نمایم:

هلند

هلند که آن را عموماً نیدرلاند یا سرزمین پست می‌خوانند از طرف شمالی و غرب به دریای شمال متصل و از طرف شرق و جنوب به آلمان و بلژیک همجوار می‌باشد. جمعیت این کشور امروز در حدود پنج میلیون و دارای هشت شهر بالنسبه مهم می‌باشد که از جمله آنها شهر لاهه پایتخت آن کشور و آمستردام و روتردام است.

چنان که اسم هلند خود وصف زمین را می‌نماید، کشوری است در پستی واقع و تقریباً پیش از نصف سطح آن پایین‌تر از سطح دریاست و در جلو دریا سدهای عظیم بسته‌اند که از آب دریا جلوگیری شود. تمام این اراضی نمناک است، به خصوص اراضی که در جوار سدهای دریا واقع است. برای خشک کردن این اراضی و مستعد کردن آنها برای کشت و کار حفره‌ها تشکیل داده‌اند که آب اراضی که در حقیقت آب دریاست مانند رودخانه جاری است و روی بعضی از آنها با قایق حمل مسافر و بار می‌نمایند و رودخانه‌های زیاد از این کشور پست به دریای شمالی جاری می‌شود. راه آهن زیاد در هلند ساخته‌اند و راههای معمولی و خیابانهای شهرها در این کشور بسیار پاک و خوب ساخته شده و اغلب آنها را با آجر بسیار خوب ساخته‌اند. در بعضی از اراضی به واسطه شوری زمین زراعت نمی‌شود، اما در همین جاها درخت زیاد است. در بعضی جاها کشت و زرع بسیار خوب انجام می‌شود. مواشی بسیار زیادی هلندی‌ها تربیت می‌کنند و گاو و گوسفند و مواد شیری مانند پنیر و کره و غیره جزو صادرات به خارج حمل می‌کنند.

مواد معدنی در هلند یافت نمی‌شود ولی خاکی دارد که آجر بی نظیر از آن ساخته می‌شود و برای ساختمان مانند سیمان به کار می‌رود. یکی از صادرات هلند آجر هلندی است که به کشورهای همجوار حمل می‌شود. هلند به واسطه داشتن مواشی زیاد چرمکاری و پشم‌بافی را رواج کامل داده است. حتی قالیه‌های ماشینی از روی قالیه‌های دستباف ایرانی زیاد در هلند تهیه و جزو صادرات به خارج حمل می‌شود. ماهیگیری در هلند رواج بسیار دارد و از عمده خوراک مردم محسوب می‌شود. کشتیهای بارکش هلندی مال‌التجاره زیاد حمل و نقل می‌کنند. روبهمرفته اهالی هلند متمکن می‌باشند، و مبالغی پول هلندی در خارج از کشور کار می‌کند.

مشروطه هلند چندان آزاد نیست. مجلس اول تا حدی ملی و مجلس دوم مجلس سناست که سلطنت معین می‌کند. انتخابات قضات هم در هلند با شخص شاه است. تعلیمات ابتدایی اجباری در هلند وجود ندارد و چنان که می‌نویسند متجاوز از ۱۰٪ مردم خواندن و نوشتن را نمی‌دانند. چهار دانشگاه در هلند وجود دارد. بهترین آنها در آمستردام است. از قرار احصائیه دولتی سه هزار مدرسه ابتدایی در هلند وجود دارد. هلند قریب ده هزار قشون برای محافظت کشور در خدمت دارد و دو برابر این عده [را] در مستعمرات خود در خدمت نگاه داشته است. چند کشتی جنگی هم برای حفظ سواحل خود دارد.

تاریخ این قسمت اروپا تقریباً ۱/۵ قرن قبل از میلاد شروع می‌شود. در این وقت قومی به نام تیوتن‌ها تمام این حدود را در تصرف خود درآوردند. در اواخر قرن هشتم میلادی شارلمانی معروف این حدود را در تصرف گرفت. ولی در اواسط قرن دهم میاک سوم حکومت مستقل هلند را به وجود آورد. سالیانی دراز فرانکها و ژرمنها در سر حکومت این قسمتها در زدو خورد بودند. پاپها نیز برای بسط کلیسای کاتولیک در این منازعات مداخله می‌کردند. در اوایل قرون وسطی کشمکش بسیار سختی میان هلندیها و اسپانیولیاها که مدتی در این حدود تسلط داشتند درگرفت و قرب هشتاد سال ادامه داشت تا آنکه فتح قطعی نصیب اهالی هلند شد و اسپانیولیاها دست از هلند برداشتند. در اوایل قرن شانزدهم هلند به راه ترقی افتاد، قسمتی در دریا و قسمتی در خشکی به تلاش افتاد از همین سیاست استعمارطلبی قسمتی از آسیای جنوب شرقی و استوایی را تحت استعمار گرفتند و در حقیقت هلندیها نخستین قوم اروپایی این قسمتها بودند که استعمارطلبی را شروع کردند بعد از آنها دیگران داخل این میدان شدند.

در قرن هفدهم هلند از دول نیرومند و درجه اول اروپا به شمار

می‌رفت. ولی در قرن هیجدهم اوضاع دگرگون شد و هلند موقعیت خود را از دست داد و دیگران از وی جلو افتادند. مدتی فرانسویان در این سرزمین پست سلطه حکومتی داشتند و در ۱۸۰۶ لویی بناپارت برادر ناپلئون بناپارت به پادشاهی هلند برقرار گردید و مدتی بلژیکیها هلند را با خود مربوط داشتند. کشمکش هلندیها با ملل دیگر اروپایی به خصوص با انگلیسها در سیاست استعمارطلبی در قسمت جاوه و هندوستان و غیره ثبت تاریخ است و احتیاج به ذکر در اینجا ندارد. زبان این قوم از زبان تیوتن‌ها سرچشمه گرفته و خیلی شبیه به آلمانی امروزی است. در حقیقت زبان انگلیسی و هلندی هر دو از زبانهای محلی ژرمن منشعب گردید و اگر کسی زبان آلمانی بداند هر دوی این زبانها را به زودی فرا می‌گیرد. زبان هلندی در اوایل قرن هیجدهم به بسط و ترقی افتاد و نویسندگان مشهور تاریخی در این زمان ادبیات این کشور را توسعه‌ای بسزا دادند.

پایان سخن

حالا دیگر در اینجا با خوانندگان عزیز خداحافظی کرده امیدوارم از خواندن این یادداشتها که به عقیده نگارنده از نظر تاریخ و تحولات تاریخی به خصوص راجع به کشور خودمان بی‌اهمیت نیست، خسته نخواهند شد. غرض نگارنده از نوشتن این یادداشتها چنان که نشان می‌دهد، خودنمایی نیست. من نمی‌خواهم از این یادداشتها نتیجه‌ای جز آنکه بارها ذکر کرده‌ام بگیرم؛ هر قدر ما در اطراف چنین وقایع فکر کنیم و همین وقایع را به خاطر بسپاریم، به عقیده نگارنده بر حرارت میهن پرستی خود افزوده‌ایم. ما باید خدمت به وطن، خدمت به آزادی و خدمت به عدالت اجتماعی را شروع و دلبستگی خود را پیوسته محکم [کنیم].

ما ایرانیان تا زنده هستیم باید در خدمت این کشور بکوشیم و کاری که دیگران کرده‌اند انجام بدهیم. هر قدر ما جامعه خود را متحدتر و نزدیکتر به هم بسازیم، بسط و ترقی برای ما فراهم‌تر می‌گردد. امروز دوره ترقی و تحول است و با این ترقی و تحولات امروزی چنان که بارها گفته‌ام حرص و طمع دول بزرگ زیاده‌تر شده، دول و جوامع بالنسبه کوچک باید به فکر خود باشند. دیگران به فکر آنها نیستند. اگر ما به فکر خود باشیم محفوظ می‌مانیم و در راه بسط و ترقی قدم برمی‌داریم. اگر کاملاً متحد و دارای یک نظر می‌بودیم، دولتین روس و انگلیس قرارداد ۱۹۰۷ را برای رسمی کردن تجاوزات خودشان در کشور ما منعقد نمی‌ساختند. ما [می‌بایست] فوراً به میدان مردانگی داخل شده با ریختن خون استقلال کامل خودمان را حفظ می‌کردیم.

در هر صورت امیدوارم این احساسات و این آرزوهایی که در دل نگارنده می‌باشد و در صفحات این یادداشتها مکرر ذکر شده صورت واقعی و قطعی به خود گیرد، و زمانی بیاید که آن هم خیلی دور نباشد که ایران در ردیف اول کشورهای مترقی این عصر واقع [شود] و از هر گونه بیمی از دستبردهای خارجی مصون باشد. در اینجا این یادداشتهای سفر مهاجرت را خاتمه داده با خوانندگان عزیز خداحافظی می‌کنم، و چند فقره اوراقی [را] که تا حدی ثبت آنها را لازم می‌دانم به عنوان ضمائم در پایان این یادداشتها اشاعه می‌دهم.

۲۰

ضمائم

۱

اسامی ملیون مهاجر

صورتی از ملیون مهاجر که در قیام ملی ۱۹۱۵ میلادی شرکت کرده‌اند. بعضی از این آقایان از کرمانشاه و عراق عرب به تهران برگشته و عده کمتری تا استانبول و برلن به مسافرت خود ادامه داده‌اند. چون در این زمان هنوز نام خانواده معمول نیست بعضی به نام ساده شخصی خودشان و بعضی که لقب دارند به لقبشان و بعضی به نام و به شغلشان نامیده می‌شوند. اینک نام نمایندگان مجلس سوم از مهاجرین:*

آقایان سیدحسن مدرس، میرزاحمدصادق طباطبایی، شاهزاده سلیمان میرزا، میرزاحمدعلی خان کلوب، میرزا قاسم خان صوراسرافیل، ادیب السلطنه، ناصرالاسلام، میرزا احمدخان قزوینی، مشارالدوله، حاجی شیخ محمدحسین استرآبادی، حاج عزالممالک،

* در تقدم و تاخر نوشتن اسامی هیچ گونه منظوری نبوده و همه این آقایان در ردیف اول خدمات مهمی به میهن انجام داده‌اند.

سید حسین کزازی، سید فاضل کاشانی، نواب یزدی، سید محمدرضا مساوات، شیخ رضا دهخوارقانی، شیخ محمد حسین خوانساری، ملک الشعراء بهار، حاجی شیخ اسماعیل رشتی، یمن الملک لرستانی، میرزا عباس یزدی، وحید الملک (نگارنده).

آقایان دیگر: آقای طباطبایی بزرگ، حاج آقا نورالله، حاجی میرزا علی محمد دولت آبادی، حاجی میرزا یحیی دولت آبادی، نورالدین عراقی، قوام العلماء کرمانشاهی، نظام السلطنه مافی، سالارلشکر مافی، میرزا کریم خان رشتی، طباطبایی همدانی، مشیرالسلطان، ضیاء السلطان، حاج فطن الملک، علوی، بقاء الملک، شرف الملک، طیب زاده، شاهزاده محسن میرزا، میرزا صالح خان، عماد خلوت، میرزا غفارخان، میرزا صادق خان بروجردی، مدیر کاشانی، میرزا ابراهیم خان ضرابی کاشانی، عبدالمهدی طباطبایی، میرزا سلیمان خان، سردار مقتدر کاشانی، میرزا حسین خان معاون، نظام السلطان، حاج نظم السلطنه، مجید دفتر، سردار مقتدر سنجابی، میرزا حبیب الله خان شیبانی، سید علی قمی، حاجی خان برادر فطن الملک، عباس خان کلهر، شکرالله خان، مفخم السلطنه، سردار سعید، امیر ناصر خلج،...^۱ سید جلیل اردبیلی، فریدالسلطان، امیر حشمت آذربایجانی، ظهیر دفتر، سردار شجاع، عارف [قزوینی]، صدیق دفتر، عشقی، حاجی سید محمدرضا علوی، حسن خان معمار، میرزا محمدعلی خان دواساز، میرزا علی اکبر ساعت ساز، اعظم السلطنه، بهاء الواعظین، شیخ علی محلاتی، سید یعقوب شیرازی، سید احمد خان صنیعی، مرآت السلطان، میرزا اسدالله خان مصفی، احمد علی خان زند، میر شمس، عبدالباقی خان، یدالله خان بختیاری، مکرم همایون، ابوالقاسم خان بختیاری، برهان المتکلمین، سردار معظم بختیاری، مخبر خاقان، سردار محیی، اسعد السلطان کردستانی، شاهزاده خلیل میرزا، سهام الدوله، محمدکریم خان برومند، سرتیپ زاده، فریدالدوله.

۱. اینجا جای چند اسم سفید است.

۲

مراومه جمعیت مدافعین وطن، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۴

بسم الله الرحمن الرحيم

چون بنابر تجارب گذشته ثابت و معلوم گردیده است که با حالت حالیه از تشکیلات حزبی که قهراً موجب تقسیم و تجزیه قوای عمومی است استفاده و انتفاعی حاصل نشده و برای تأمین پیشرفت امور لازم است که قوای ملی تجمع و مرکزیت حاصل کرده، مشترکاً و متفقاً صرف مصالح و منافع عمومی شود، لهذا بعون الله تعالی و حسن تأییده امضاکنندگان ذیل که رؤسا و لیدرهای دو فرقه اجتماعیون اعتدالیون و دموکرات ایران و سایر دسته های سیاسی هستند نظر به مصلحت عمومی و منافع مملکتی عازم و مصمم گردیده اند مادام که جنگ برپا و خاک ایران دستخوش تجاوزات دشمن است تشکیلات اختصاصی حزبی را در هر نقطه از نقاط مملکت به کلی الغاء و منسوخ داشته و دو اسم دموکرات ایران و اجتماعیون اعتدالیون را منسی و متروک گذاشته و همه عناصر ملی در تحت لوای یگانگی و اتحاد و برادری و صمیمیت مجتمع گردیده و به نام مشترک و متحد «جمعیت مدافعین وطن» به یکدیگر مختلط و متصل شده و همقدم و متفق به ادای وظیفه ملی و وطنی خود قیام کنند و برای انجام

این مقصد مقدس و حفظ و ادامه این تصمیم و عهد به شهادت خداوند متعال و رسول اکرم و اولیای اطهار سلام الله علیهم اجمعین به دیانت و شرافت خود سوگند یاد کرده به شرح مواد ذیل متعهد و متفق می شوند: ماده اول. مقصد این اتحاد مقدس حفظ استقلال و تمامیت ایران و قطع نفوذ و استیلا و تجاوز دشمنان از خاک وطن و حفظ اساس اسلامیت است.

ماده دویم. مدت دوام این معاهده تا شش ماه پس از اختتام جنگ عمومی و استخلاص خاک ایران از دست دشمن خواهد بود و با موافقت امضاکنندگان ممکن است مدت معاهده امتداد حاصل کند.

ماده سیم. از تاریخ امضای این ورقه تا انقضای مدت این معاهده مقدس تشکیلات فرقتین اجتماعیون اعتدالیون و دموکرات ایران منسی و متروک و تأسیس هر قسم فرقه و کمیته به هر اسم و عنوان از طرف آنها ممنوع بوده و همچنین جمعیتها و کمیتههایی که سابقاً تشکیل یافته منحل شده و تمام اعضای این دو فرقه و سایر دستههای متفقۀ آنها به نام جمعیت مدافعین وطن مجتمع و متشکل خواهند شد.

ماده چهارم. غیر از اعضای دو فرقه دموکرات ایران و اجتماعیون اعتدالیون از سایر دستههای ملی و عناصر صالحه مملکت هرکس داوطلب باشد به عضویت این جمعیت پذیرفته خواهد شد.

ماده پنجم. هیئت مرکزی جمعیت مدافعین وطن که با اکثریت دو ثلث از آرای امضاکنندگان ذیل انتخاب می شوند اداره جمعیت را مرتب خواهد کرد. قوانین و نظامنامههای تشکیلات و تنظیمات جمعیت مدافعین وطن را هیئت مرکزی ترتیب داده، به موقع اجرا خواهد گذاشت.

ماده ششم. هرکس از افراد جمعیت بر ضد این معاهده مقدس اقدام و قیام نموده یا از مواد معاهده تخلف نماید پس از محاکمه و ثبوت تخلف و خیانت او به عالم اسلامیت و ایرانیت به وسیله جراید و غیره اعلان و انتشار داده خواهد شد.

Handwritten notes in Persian script, likely marginalia or corrections, written in a cursive style. The text is dense and covers most of the right page.

ماده هفتم. امضاکنندگان این قرارداد متعهد و ضامن و مسئول اجرای مواد فوق خواهند بود.

قصر شیرین، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۴

به نام سعادت وطن، قاسم تبریزی نماینده ساوجبلاغ - وحیدالملک محمدحسین خوانساری
بسم الله تعالی، من رضا دهخوارقانی این مواد را صواب دانسته و به آنها رای داده‌ام. رضا دهخوارقانی
بسمه تعالی و له لحمد. برای خدمت به اسلام و سعادت وطن بر مواد فوق به اتفاق رأی داده شد. انفعنا و اياهم بالعمل احفظنا من الزلزل و انالاصم.
محمدحسین استرآبادی.

محمدعلی [کلوب، فرزین] - سیدحسین کزازی - نظام‌الدین [مشارالدوله حکمت] - سلیمان محسن [اسکندری] به نام سعادت ایران فتحعلی شیرازی نماینده شیراز - یارمحمد افشار - بسم الله عزاسمه، محمدطاهر الطبرسی [تنکابنی] - امیرنوری

بسم الله تعالی. سیدحسن المدرس - محمدصادق طباطبایی
بسم الله تعالی. ورقه با شانزده امضا مطابق با اصل است. فی ۷ شهر جمادی الاخری، ۱۳۳۴، سیدحسن مدرس.

بسم الله تعالی. السواد مطابق الاصله. محمدحسین خوانساری - [مهر مدرس] [امضا] سلیمان محسن، [امضا] فتحعلی شیرازی.

۳

صورت جلسه تعیین وحیدالملک
و طباطبایی به نمایندگی مخصوص
۵ جمادی الاخر ۱۳۳۴

سواد صورت جلسه هیئت، مورخه یکشنبه پنجم شهر جمادی الاخری ۱۳۳۴ جلسه هیئت در تحت ریاست حضرت اشرف آقای نظام السلطنه دوساعت قبل از ظهر منعقد گردید: شرح مفصلی حضرت اشرف آقای نظام السلطنه بیان فرمودند در اهمیت مراکز اسلامبول و برلن و این که بایستی مابین آن مراکز و اینجا مرابطه و مناسبات خصوصی برقرار شود و مأمورین ما هم در آنجا از اوضاع اینجا کاملاً مسبوق شده، مساعدت کامله آنها در پیشرفت مسائل سیاسی و مهمات نظامی جلب شود. از برای رسیدن بدین مقصود تصمیم فرموده‌اند که دونفر را برای فرستادن به اسلامبول و برلن مأمور فرموده که هرچه زودتر توأماً به مقام مأموریت خود رسیده مشغول به عملیات شوند و از برای انجام این خدمت آقایان طباطبایی و وحیدالملک را معین و انتخاب فرموده‌اند. آقایان نمایندگان حاضره (اعضای هیئت) نطقهای محبت‌آمیز نسبت به آقایان فوق‌الذکر نموده، اهمیت فرستادن مأمورین مزبور را تصدیق و نظریات حضرت

تراد حضرت عبید بن جریح

عبید بن جریح در خدمت ریاست حضرت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت قبر از نظر
 منتقدان است؛ شرح نطق حضرت اشرف کائنات علیه السلام در بیان فرموده است که در خدمت
 مرد که اسد بول و برهنه و بیست و نه ساله این آن مرد که در آن مرد بول و غنای بسیار
 برادر بود و نامش هم در آنجا ذکر شده است و این که در آنجا ذکر شده است که در آنجا
 در خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات
 فرموده که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است که
 زودتر از آنجا که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است
 خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات
 نایب کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات
 اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات علیه السلام در خدمت اشرف کائنات
 فرموده است که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است
 خوشان که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است که در آنجا ذکر شده است
 نظام

تمام شد
 کاتب
 کاتب

رایج با مرشد کائنات و اشرف کائنات علیه السلام

اشرف را تحسین فرمودند. قرار شد هرچه زودتر آقایان حرکت کرده، به وظایف مأموریت خودشان اقدام نمایند.

سواد مطابق اصل است. نظام السلطنه، مدرس، قاسم صور، محمد علی مافی، محمد علی [کلوب]، محمد صادق طباطبایی، وحید الملک، سلیمان میرزا